

اتحاد مبارزه پیروزی گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد

- بیانیه‌ی قانون نویسندگان ایران به مناسبت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور

۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور گرامی باد

- اعتراضات دامنه دار کارگران پیمانی شهرداری اهواز نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و فنی کاری مسئولان برای پایداری حقوقشان

- ادامه اعتراضات کارگران شهرداری سی سخت نسبت به عدم پرداخت ماه ها حقوق و حق بیمه زیر سایه سکوت مسئولان

- تجمع اعتراضی کسبه شهرستان بجنورد نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و عدم حمایت دولت در پی محدودیت کرونایی مبنی بر بستن مغازه ها مقابل اتاق اصناف

- تجمع اعتراضی معلولان نسبت به وضعیت معیشتی و عدم اجرای قانون معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری

- هشدار دو معلم بازنشسته برای جلوگیری از به بیراهه کشاندن کنش هایشان در راه دست یابی به مطالبات برحقشان

- دادگاه بدوی حامد قره اوغلانی دانشجوی معماری کامپیوتر دانشگاه بهشتی برگزار شد

- شوراها ی صنفی دانشجویان کشور :

دانشگاه خطرناک تر است یا زندان؟ // دانشجویان کرونا می گیرند اما دانشجویان زندانی نه!

- جان باختن یک کارگر ۶۰ ساله در فراهان بر اثر سقوط

*بیانیه‌ی قانون نویسندگان ایران به مناسبت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور

۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور گرامی باد

دوازده سال از اعلام ۱۳ آذر به عنوان روز مبارزه با سانسور گذشته است و اکنون رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین از اعضای هیئت دبیران و کیوان باژن، عضو قانون نویسندگان ایران به دلیل

تلاش برای مبارزه با سانسور به زندان افتاده‌اند و عضو دیگرمان؛ گیتی پورفاضل، به دلیل استفاده از حق آزادی بیان‌اش به حبس کشیده شده است.

موضوع سانسور و مبارزه با آن، محدود به کتاب، مطبوعات یا فعالیت‌های هنری نیست و به همین دلیل روز مبارزه با سانسور مختص نویسندگان و هنرمندان نبوده و هدف آن؛ همگرایی و ایستادگی تمام گروه‌ها و افرادی‌ست که مستقیم یا غیر مستقیم قربانی سانسور و سرکوب هستند. سانسور، تأمین کننده‌ی تاریکی مورد نیاز برای سرکوب است و این یعنی، سرکوب را می‌توان بی‌کم و کاست، شکل عینی و تحقق یافته‌ی سانسور دانست. بدین معنا، جامعه‌ی ما سال‌هاست که به شدیدترین وجه، تحقق سانسور را در حبس و شکنجه و اعدام و کشتار فرزندان، عریان و خونین، چشیده و لمس کرده است. سال‌هاست که هنر و فرهنگ و زیبایی، روبروی چشمان ما سرکوب شده است و از این رهگذر تولیدات فرهنگی سانسور شده و بی‌یال و دم و اشکم، مخاطب خود را به شکلی روزافزون از دست داده‌اند. سال‌هاست که سیستم آموزشی، متکی به ارباب و سانسور و خودسانسوری‌ست و در کنار این‌ها، حق اعتراض مردم نیز سرکوب و دامنه‌ی سانسور به کف خیابان کشیده شده است. با این همه، سال‌هاست که ایستاده‌ایم و سال‌هاست که در برابر سهمگین‌ترین سانسور و سرکوب تاریخ معاصر، به مبارزه‌ی خود برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان ادامه داده‌ایم.

کانون نویسندگان ایران، ضمن بزرگداشت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور، از عموم مردم به ویژه صاحبان قلم و اندیشه می‌خواهد تا در صف مبارزه با سانسور بایستند و یکصدا خواستار برچیدن بساط سانسور شوند. ما خواهان آزادی اندیشه و بیان و نشر بی هیچ حصر و استثنا هستیم، خواهان جریان آزاد خبررسانی، اینترنت و مطبوعات آزاد، آزادی حق اعتراض و همچنین آزادی تمام زندانیان عقیدتی و سیاسی که در سیطره‌ی سانسور و سانسورچیان به بند کشیده شده‌اند.

کانون نویسندگان ایران

۱۱ آذر ۱۳۹۹

***اعتراضات دامنه دار کارگران پیمانی شهرداری اهواز نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و فنی کاری مسئولان برای پیمالی حقوقشان**

کارگر شهرداری اهواز: ۵ - ۶ ماه حقوق ما عقب افتاد و ناچار شدیم درمقابل شورای شهر تحصن کنیم، حتی در نماز جمعه هم با پلاکاردهای حاوی اعتراضاتمان حضور داشتیم. بعد از این اعتراضات و حدود ۲۰ روز پیش ۲ ماه حقوق ما را پرداخت کردند، اما هنوز ۴ ماه عقب هستیم و حقوق‌های مرداد، شهریور، مهر و آبان پرداخت نشده است.

روز چهارشنبه ۱۲ آذر، یکی از کارگران شهرداری اهواز که در بخش خدمات موتوری کار می‌کند، به خبرنگار رسانه ای گفت: بزرگترین مشکل ما کارگران روزمزد شهرداری مساله حقوق است. هم حقوق‌ها پایین است و هم با تاخیرهای چندماهه پرداخت می‌شود. من ماهی ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرم سایرین هم در بهترین حالت ۲ میلیون و ۵۰۰ دریافتی دارند. البته کارگران رسمی حقوق بیشتری دریافت می‌کنند.

وی ادامه داد: ما را به عنوان کارگر روزمزد استخدام کردند. روزی که استخدام شدیم، قرارداد ۶ ماهه با ما بسته شد که براساس آن قرار بود بابت هر روز کاری ۵۰ هزار تومان دریافتی داشته باشیم و بیمه

و مزایا هم دریافت می‌کنیم ما هم برگه را امضا کردیم. این درحالی است که با وجود گذشت ۴ سال از همکاری من با این بخش هنوز بیمه‌ای دریافت نکرده‌ام، حتی آن‌هایی که ۱۰ سال است در این مجموعه کار می‌کنند، هم بیمه نیستند.

این کارگر شهرداری اهواز با بیان اینکه ۴۰ کارگر بخش خدمات موتوری شهرداری اهواز نیز مشکلات مشابه داشته و بیمه هم دریافت نکرده‌اند، اضافه کرد: به ما پاداش، عیدی، سنوات، اضافه کار و... تعلق نمی‌گیرد.

او توضیح داد، مدتی پیش حین کار حادثه‌ای اتفاق برای یکی از همکاران رخ داد، اما نگذاشتند اورژانس خبر کنیم و او را با ماشین شهرداری به بیمارستان بردند. آنجا مخارج درمان را پرداخت کردند و بعدا هم نداشتند بابت حادثه و درخواست دیه شکایت کند و مثل اینکه ۵۰۰ هزار تومان به او پرداخت کردند و گفته بودند اگر شکایت کنی، اخراج شوی.

وی عنوان کرد: ۵ - ۶ ماه حقوق ما عقب افتاد و ناچار شدیم درمقابل شورای شهر تحصن کنیم، حتی در نماز جمعه هم با پلاکاردهای حاوی اعتراض‌مان حضور داشتیم. بعد از این اعتراضات و حدود ۲۰ روز پیش ۲ ماه حقوق ما را پرداخت کردند، اما هنوز ۴ ماه عقب هستیم و حقوق‌های مرداد، شهریور، مهر و آبان پرداخت نشده است.

این کارگر معترض خاطرنشان کرد: تمام کارگران این مجموعه می‌دانند که اگر اخراج‌مان کنند کار نداریم و به همین دلیل هم با وجود همه این شرایط به کار در این مرکز ادامه می‌دهیم. این درحالی است که همه ما حاشیه‌نشین هستیم و با مشکلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنیم در این شرایط حقوق هم نمی‌دهند و شرایط ما بدتر شده است چند روز پیش یکی از همکارانم به دلیل شرایط وخیم مالی حتی نتوانسته بود ۱۵ هزار تومان بدهد و عینک همسرش را بدهد تعمیر. ما حتی از پرداخت این مبالغ هم ناتوان شده‌ایم. این فرد ۴ فرزند دارد و چنین شرایطی را تحمل می‌کند.

وی ادامه داد: من مجردم، اما خرج خانواده را من می‌دهم و ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اصلاً کفاف زندگی را در این شرایط گرانی نمی‌دهد. در این شرایط کرونا هم که باید لوازم بهداشتی و محافظتی مانند ماسک و ضدعفونی‌کننده خرید باز هم ما توانایی انجام چنین کاری را نداریم.

این کارگر اهوازی بابیان اینکه برای مساله بیمه و تعیین وضعیت شغلی‌مان بارها با شورای شهر جلسه داشته‌ایم، اضافه کرد: به ما می‌گفتند ما پیگیر مساله شما هستیم و با مدیر عامل سازمان خدمات موتوری صحبت می‌کنیم، مدیر عامل هم می‌گفت مربوط به شوراست. شورا می‌گوید مساله به شهردار مربوط است. شهردار هم می‌گوید فعلاً استخدامی نداریم. چند تا شورای و شهردار تغییر کرده، اما شرایط ما تغییر نکرده است. مدیر عامل سازمان خدمات موتوری درباره بیمه می‌گوید اصلاً در این باره صحبت نکنید می‌گوییم اگر کسی دچار حادثه شد چه، اما پاسخی دریافت نمی‌کنیم. ما همه کارگران فنی هستیم و خطرات زیادی در اطرافمان هست. زمان سیل اهواز اگر ما نبودیم که کار پیش نمی‌رفت، اما هیچ رسیدگی از ما نشد.

بنا به این گزارش رسانه ای شده، سازمان خدمات موتوری شهرداری اهواز در اقدامی عجیب، برای آنکه حقوق کارگران ذیل قانون کار قرار نگیرد، قرارداد آن‌ها را به قرارداد پیمانکاری تبدیل کرده است. در این صورت آن‌ها می‌توانند به جای ۲ میلیون و ۹۰۰ به راحتی به کارگران ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کنند.

در کنار دهها اعتراض در استان خوزستان، حالا نوبت اعتراضات کارگران بخش خدمات موتوری اهواز است که شهرداری اهواز در اقدامی بی‌سابقه با دور زدن قانون شکل قرارداد کارگران آن را تغییر داده تا بتواند به راحتی حق و حقوق آنها را نادیده بگیرد!

قرارداد یکی از کارگران که به دست ما می‌رسد نشان می‌دهد که شهرداری در قرارداد کاری خود با این افراد از آن‌ها به عنوان پیمانکار نام برده است. مسأله‌ای که باعث می‌شود این افراد در نبود قرار داد کاری از جنس کارگر و کارفرما نه ساعت کاری مشخصی داشته باشند و نه اینکه حداقل حقوق کار و مزایای آن را بتوانند دریافت کنند.

در این قرارداد همچنین آمده است که کارفرما یعنی (سازمان خدمات موتوری شهرداری اهواز) می‌تواند هر زمان که بخواهد قرار داد خود را با پیمانکار (شما بخوانید کارگر) یک طرفه فسخ کرده و پیمانکار نیز هیچ ادعایی در این زمینه نخواهد داشت.

این چنین شیوه قراردادی متأسفانه در جایی منعقد می‌شود که منظور کارفرما جلوگیری از تحت شمول درآمد قوانین کار بر کارگر بوده و صرفاً منافع کارفرما در نظر گرفته شود. سوال اینجاست که یک نهاد حاکمیتی چگونه به خود اجازه می‌دهد که به جای اجرای قانون سعی در دور زدن آن بکند.

حال سوال این است که آیا اداره کار اهواز به صورت دوره‌ای وضعیت کاری کارگران شهرداری را مورد بررسی قرار نمی‌دهد؟ آیا از اعتراضات و تجمعات این کارگران خبر نداشته است و اگر خبر داشته چرا تا کنون هیچ واکنشی نشان نداده است.

***ادامه اعتراضات کارگران شهرداری سی سخت نسبت به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق و حق بیمه زیر سایه سکوت مسئولان**

اعتراضات کارگران شهرداری سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد نسبت به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق و حق بیمه زیر سایه سکوت مسئولان، کماکان ادامه دارد.

روز چهارشنبه 12 آذر، کارگران شهرداری سی سخت به خبرنگار رسانه ای گفتند: هنوز حقوق فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر و آبان ماه سال جاری به آن‌ها پرداخت نشده است.

یکی از کارگران معترض در ارتباط با وضعیت شهرداری سی سخت و کارگزارانش گفت: آخرین حقوقی که دریافت کرده‌ایم مربوط به اسفند ماه سال 98 بود که حدود 50 روز پیش به حساب کارگران واریز شد. در زمینه مشکلات مان به هر مسئولی هم شکایت می‌کنیم فقط شنونده است و هیچ اقدامی نمی‌کند.

وی اضافه کرد: اغلب کارگران به علت افزایش معوقات با مشکل روبه‌رو هستند.

این کارگر افزود: طی این مدت از همه آشنایان قرض کرده‌ایم. به علت مشکلات مالی شهرداری و پرداخت نشدن هشت ماه از دستمزدهایمان نسبت به هزینه‌های واقعی زندگی، هر روز سفره‌هایمان به نسبت روز قبل کوچکتر می‌شود و در عین حال در خانواده ما تفریح به کلی فراموش شده است.

وی گفت: عدم دریافت حقوق و پرداخت نشدن حق بیمه کارگران با توجه به شرایطی که شیوع ویروس کرونا برای کارگران ایجاد کرده، در سال جدید نگرانی‌های کارگران دوچندان شده است. در روزهایی که همه به دلیل ابتلا به کرونا بیشتر در خانه هستند و کارشان محدود شده، ما کارگران خدماتی و فضای

سبز شهرداری در این سرمای سخت مناطق کوهستانی سی سخت هر روز سر کارمان حاضر هستیم و هیچ محدودیتی برای ما در نظر گرفته نشده است.

این کارگر که تحت مسئولیت مستقیم شهرداری در بخش خدمات (جمع‌آوری زباله‌ها) مشغول کار است، در ارتباط با وضعیت پرداخت حق بیمه‌های خود گفت: نمی‌دانیم چند ماه حق بیمه‌های ما به حساب تامین اجتماعی واریز نشده است. بهر حال علارغم تمدید دفترچه‌ها، کارفرما معوقات بیمه‌ای زیادی بابت به تاخیر افتادن بیمه کارگران به تامین اجتماعی بدهکار است به همین دلیل هر ماه بخشی از منابع مالی شهرداری که بابت پرداخت حقوق در نظر گرفته شده است از سوی این سازمان برداشت می‌شود.

کارگران شهرداری سی سخت در خاتمه گفت: از مسئولان در شهرستان گله‌مندیم که سکوت اختیار کرده و در پیگیری مطالباتمان هیچ واکنشی جدی از خود نشان نمی‌دهند.

***تجمع اعتراضی کسبه شهرستان بجنورد نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و عدم حمایت دولت در پی محدودیت کرونایی مبنی بر بستن مغازه ها مقابل اتاق اصناف**

گزارش دریافتی: صبح روز چهارشنبه 12 آذر، کسبه بجنورد برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و عدم حمایت دولت در پی محدودیت کرونایی مبنی بر بستن مغازه ها دست به تجمع مقابل اتاق اصناف واقع در خیابان طالقانی این شهرستان در استان خراسان شمالی زدند.

این تجمع اعتراضی که از ساعت 9 صبح آغاز شده بود تا ظهر بدرازا کشید و ازدیاد شرکت کنندگان بطور خودبخودی موجب بسته شدن خیابان طالقانی از خیابان های اصلی این شهرستان شد. پلیس یگان امداد برای متفرق کردن تجمع کنندگان در خیابان تلاش کرد اما راه بجایی نبرد.

مهدی امیدوار رئیس اتاق اصناف بجنورد هم از حضور بین معترضین خودداری کرد.

قابل یادآوری است از روز شنبه 8 آذر بجنورد، شیروان و اسفراین در لیست شهرهای قرمز قرار گرفتند و مغازه ها تعطیل شدند.

***تجمع اعتراضی معلولان نسبت به وضعیت معیشتی و عدم اجرای قانون معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری**

روز چهارشنبه 12 آذر همزمان با روز جهانی معلولان، جمعی از افراد دارای معلولیت برای انعکاس هر چه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به وضعیت معیشتی و عدم اجرای قانون معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری اجتماع کردند.



به گزارش 12 آذرکانال کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، این تجمع که از صبح تا نزدیکی ظهر معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری بدرازا کشید تجمع کنندگان با سردادن شعارهایی منجمله «معیشت شایسته حق مسلم ماست» و «معلولان بیدارن از تبعیض بیزارن» اعتراضشان را بنمایش گذاشتند.

تجمع کنندگان پیشنهاد گفتگو با مدیر ارتباطات مردمی و تجمعات نهاد ریاست جمهوری را نپذیرفتند. نهاد ریاست جمهوری اقدام دیگری انجام نداد و معلولان راهی بیت رهبری شدند تا مسائل و مشکلاتشان را به گوش وی برسانند.

در تقاطع آذربایجان و 12 فروردین، ماموران انتظامی مانع راهپیمایی معلولان بسوی بیت رهبری شدند و در نهایت نامه‌ای با امضای 15 نفر تحویل دفتر ارتباطات مردمی رهبری شد و تجمع پایان یافت.



*** هشدار دو معلم بازنشسته برای جلوگیری از به بیراهه کشاندن کنش هایشان در راه دست یابی به مطالبات برحقشان**

چندین سال در گرما و سرما از جای جای این کشور پهناور خود را به تهران رسانده و در مقابل مجلس، سازمان برنامه، نهاد ریاست جمهوری، وزارت رفاه، صندوق بازنشستگی بارها و بارها فریاد اجرای قانون مدیریت کشور را سردادیم و در این راه اگرچه عده ای با هم اختلاف سلیقه داشتیم ولی در یک موضوع هم کلام و هم عقیده بودیم و آن هم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری بود و برای این مهم اهانت ها شنیدیم، کتک خوردیم، بازداشت شدیم، تهدید شدیم، ولی از حقوق خود که همانا اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری بوده کوتاه نیامدیم که البته عده ای در این راه هموار برای رسیدن به این مهم رای و نظرشان همواره تغییر می کرد یک روز مخالف صندوق و وزارت رفاه و مخالف نوبخت و خواهان برکناری او بودند بعد از مدتی طرفدار نوبخت و مخالف صندوق شدند ولی ما همچنان با آنها در یک موضوع اشتراک داشتیم و آن اجرای کامل قانون مدیریت بود تا اینکه یکبار نمایش همسان سازی برپا گردید و دیدیم چه شومن های ماهر کارکشته ای اجرای آن را بر عهده دارند و انتظار داشتیم همکاری که با ما اختلاف سلیقه ولی در اجرای قانون هم کلام و یکصدا بودیم با آنها همساز نگردند ولی متأسفانه صدو هشتاد درجه تغییر عقیده داده و از طرفداران سینه چاک نوبخت و همسان سازی شدند و کاملاً خود را به بازنشستگان شناساندند و هم اکنون ادعا دارند که بازنشستگان در قانون مدیریت خدمات کشوری حقی ندارند و مواد ۱۲۵ و ۶۴ و ۱۰۹ ق م خ ک مورد قبول مجلسیان و دولتیان نیست بنابراین فعالیت این همه سالهایمان بیهوده بوده و ما بر اساس این قانون حقی نداشته و اکنون در صدد و خواهان تصویب قانون جدیدی بنام همسان سازی هستیم و بازنشستگانی را که همچنان به قانون مدیریت اعتقاد

داشته و برای اجرای آن کوتاه نمی آیند را بیسواد و نادان در امور ات قانونی میدانند حال خوب فهمیدیم این آقایان از ابتدا هم فعال صنفی نبوده بلکه نان به نرخ روز خورانی بودند که برای جلب منافع خود هر لحظه رنگ عوض می کردند

بر همه همکاران بازنشسته که دل در گرو احقاق حقوق خود دارند لازم است وارد میدان شده و نگذارند عده ای سیاسی کار بخواهند با حقوق مغفول مانده شان بازی نموده و آن را منحرف سازند ما برای اجرای کامل ق م خ ک و پرداخت خسارات و معوقات ناشی از عدم اجرای قانون مدیریت و اجرای رای دیوان محاسبات و اجرای رای دیوان عدالت اداری همچنان تا پای جان ایستاده ایم و لحظه ای کوتاه نخواهیم آمد و دست کاسبان صنفی را برملا کرده و آنها را رسوا خواهیم ساخت ما موفق خواهیم شد چون حق با ماست.

معلمان بازنشسته منوچهر اکبری و ولی میرزا سیدی

***دادگاه بدوی حامد قره اوغلانی دانشجوی معماری کامپیوتر دانشگاه بهشتی برگزار شد**

حامد قره اوغلانی دانشجوی معماری کامپیوتر دانشگاه بهشتی در دادگاه بدوی بنا به رای دو قاضی،

به ۱۴ سال حبس و به قضاوت قاضی سوم به اعدام محکوم شد!

وی که روز شنبه هفتم تیر ۱۳۹۹ توسط نیروهای وزارت اطلاعات در ارومیه بازداشت شده، در هفته جاری توسط شعبه دو دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی علی شیخلو به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به ۱۳ ماه، "توهین به رهبری" ۳ سال و همچنین "همکاری با گروه های معاند" به ۱۰ سال حبس محکوم شده است.

***شوراهای صنفی دانشجویان کشور :**

دانشگاه خطرناک تر است یا زندان؟ // دانشجویان کرونا می گیرند اما دانشجویان زندانی نه!

بیش از ۹ ماه، از تعطیلی دانشگاه به بهانه شیوع ویروس #کرونا در کشور می گذرد. از آن زمان تاکنون ۱۰ دانشجو بازداشت و ۷ حکم قضایی علیه دانشجویان صادر شده است. علاوه بر این، حکم حبس ۷ دانشجو ابلاغ، دو پرونده قضایی علیه دانشجویان گشوده، ۱ دانشجو اعدام و منزل سه دانشجو تفتیش و وسایل آنها ضبط شده است.

تعطیلی دانشگاه به سبب پیشگیری از شیوع کرونا، اگرچه برای دانشجویان یک مصیبت تمام عیار بوده اما برای مسئولان دانشگاه، سراپا نعمت بوده است. مهمترین مزیت آن برای مسئولان دانشگاه، سلب حق استفاده از محیط دانشگاه به عنوان بخشی از فضای عمومی است؛ فرصتی که دانشجویان از آن برای تشکیل یابی بهره می گرفتند. هرچند مسئولان وزارت علوم، به عنوان بخشی از بدنه دولت سعی دارند مهمترین علت تعطیلی دانشگاه ها را نگرانی از وضعیت سلامتی دانشجویان و تلاش برای حفظ آن عنوان کنند، اما آمارهای رسمی و غیر رسمی تعداد کشته شدگان و سیاست های دولت برای کاهش میزان

ابتلا به کرونا خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. امروز سایر شرکت‌ها و موسسات خصوصی و دولتی، کارگاه‌ها و واحدهای صنعتی و تولیدی، واحدهای خدماتی و هتل‌ها و مراکز اقامتی و وسایل حمل‌ونقل عمومی و بین شهری و ... مشغول به فعالیت هستند اما ۹ ماه است که سایه تعطیلات بر سر دانشگاه سنگینی می‌کند. در حالیکه بسیاری از دانشجویان برای تأمین معاش و هزینه‌های تحصیلی در زمره کارگران قرار می‌گیرند. یعنی جان دانشجو، نزد دولتمردان از کارگر و کارمند عزیزتر است؟ اجازه بدهید ابراز نگرانی مسئولان وزارت علوم از سلامت دانشجویان را با پوزخند پاسخ دهیم!

اگر بازگشایی دانشگاه را یک خطر برای سلامت جان دانشجویان در نظر بگیریم، تعطیلی دانشگاه خطری به مراتب مهلک‌تر برای حیات دانشگاه، به مثابه میدان عمل و کنش‌ورزی دانشجویان است. امروز دانشگاه در کما فرو رفته است تا پروژه سرکوب دولت امنیتی امید و قوه سفاک قضاییه، کم هزینه‌تر اجرا شود؛ از ابتدای تعطیلی دانشگاه چند دانشجو بازداشت شده‌اند؟ چند حکم زندان برای دانشجویان در دادگاه انقلاب صادر شده است؟ چند دانشجو برای اجرای حکم راهی زندان شده‌اند؟ حتی کمیته‌های انضباطی هم از پای ننشسته اند!

دانشگاه در کما، دانشجویان در زندان!

-اسفندماه سال ۹۸، در نخستین روزهای شیوع همه‌گیری کرونا، فروزان یزدانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه دانشگاه تهران بازداشت و علی‌رغم صدور قرار وثیقه قوه قضاییه با کارشکنی مانع از آزادی وی می‌شدند.

-فرودین ماه سال جاری، ابوالفضل نژادفتح، دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران در دادگاه انقلاب به ۶ سال حبس محکوم شد و این حکم هم اکنون در دایره اجرای احکام است.

-نیمه فروردین ماه، امیر چمنی دانشجوی حقوق دانشگاه پیام‌نور، پس از احضار به پلیس فتا بازداشت شد. علی‌رغم نگرانی‌ها از شیوع کرونا در زندان‌های کشور، بازداشت وی تمدید و حدود ۴۰ روز طول کشید.

-۲۲ فرودین ماه نیز، امیرحسین مرادی، دانشجوی فیزیک و علی یونسی، دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف، توسط نیروهای اطلاعات سپاه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بازداشت شدند. این دو دانشجو از آن زمان تاکنون، علی‌رغم افزایش تعداد مبتلایان به کرونا در کشور و اخبار متعدد از مبتلایان در زندان‌ها در بازداشتگاه ۲۰ الف تحت فشار، شکنجه و در معرض ابتلا به کرونا قرار دارند.

-اردیبهشت ماه، سها مرتضایی، دانشجوی ستارمدار علوم سیاسی دانشگاه تهران به یک سال حبس تعزیری محکوم شد و این حکم در دایره اجرای احکام است. وی دی ماه ۹۶، به اتهام اجتماع و تبانی و اقدام علیه امنیت کشور به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. آبان ماه سال جاری نیز، حکم دیگری با همین اتهامات و به مدت ۶ سال علیه وی صادر شد. سها مهر ماه سال گذشته در اعتراض به ستارمدار شدن خود، در محوطه دانشگاه تهران تحصن کرد و در اعتراضات آبان ۹۸ بازداشت شد.

-تیرماه، سینا ربیعی، دانشجوی سابق جامعه‌شناسی دانشگاه تهران برای اجرای حکم ۱ سال حبس خود به دادسرای شهید مقدس احضار و راهی زندان اوین شد. وی در پی اعتراضات دی ماه ۹۶ بازداشت و به اتهام اجتماع و تبانی به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. شهریور ماه نیز، وی به اتهام اجتماع و

تنبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی به ۳ سال حبس محکوم شد. همچنین دی ماه سال گذشته، در تجمعات اعتراضی به هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری توسط سپاه پاسداران بازداشت شده بود.

یک روز پس از آن، ملیحه جعفری، دانشجوی نمایش عروسکی دانشگاه تهران برای اجرای شش ماه حبس تعزیری خود به دادرسی شهید مقدس احضار شد. وی در جریان تجمع اعتراضی آبان ماه ۹۸ در دانشگاه تهران بازداشت و به اتهام اجتماع و تبانی به شش ماه حبس و ارائه خدمات اجتماعی زیر نظر قوه قضاییه محکوم شد.

۱۴- تیر رامتین موثق، دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

۹- تیر، عادل گرجی، دانشجوی رشته نمایش دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران مرکز، به دلیل فعالیت صنفی در دانشگاه در دادگاه تجدیدنظر به ۱ سال حبس تعزیری محکوم شد.

۱۷- تیرماه، پریسا رفیعی، دانشجوی عکاسی دانشگاه تهران برای اجرای حکم یک سال حبس خود راهی زندان اوین شد. علیرغم گذراندن یک سوم محکومیت، او همچنان در زندان به سر می برد. وی در تجمعات اعتراضی دی ماه ۹۶ بازداشت و به اتهام اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه نظام و اخلاف در نظم عمومی به ۷ سال حبس محکوم شده بود. مرداد ماه نیز، وی به اتهام تبلیغ علیه نظام به دلیل انتشار نامه ای درباره رفتار غیر اخلاقی نیروهای امنیتی با وی در دوران بازداشتش، مجدد تفهیم اتهام شد.

۲۳- تیرماه، صابر شیخ عبدالله، دانشجوی پیشین مدیریت بیمه دانشگاه علامه طباطبائی که به اتهام مشارکت در بمب گذاری ده سال پیش مهاباد بازداشت شده بود، در زندان ارومیه اعدام شد. گفتنی است، هیچ دادگاه علنی برای وی برگزار و اتهامات وی به دلیل تناقضات متعدد اثبات نشد؛ هرچند این پرونده چهار بار به دیوان عالی کشور ارجاع داده شد که آن هم بی هیچ نتیجه ای به دادگاه انقلاب مهاباد بازگشت و بدین ترتیب با محرومیت از حق دادرسی عادلانه حکم اعدام اجرا گردید!

۲۶- تیر، فرید خورشیدی، دانشجوی مهندسی الکترونیک دانشگاه ارومیه که به پلیس امنیت این شهر احضار شده بود، بازداشت شد.

-اوایل مرداد ماه، بهاره هدایت، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران به اتهام «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ» علیه نظام، به چهار سال و هشت ماه زندان محکوم شد. وی دی ماه سال گذشته، در پی حضور در تجمعات اعتراضی به هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری توسط سپاه پاسداران بازداشت شده بود.

۲۹- مرداد، مهربان کشاورزی، دانشجوی کارشناسی ارشد بازیگری دانشگاه هنر، پس از مراجعه به زندان اوین برای پیگیری پرونده خود، بازداشت شد. وی، شهریور ماه ۹۴، به دلیل انتشار نشریات دانشجویی در مقطع کارشناسی اش _جامعه شناسی دانشگاه علامه_ توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت شده بود و فرودین ماه سال ۹۶ نیز به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر به سه ماه تقلیل یافت.

۱۰- مهرماه، محمد خانی، دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به قرنطینه بند ۴ زندان اوین منتقل شد. اتهامات تفهیمی وی در شعبه دوم بازپرسی اوین، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام تفهیم عنوان شده است.

-اواخر مهر نیز، رقیه (اشرف) نفری، دانشجوی کارشناسی ریاضی دانشگاه خواجه نصیر برای اجرای حکم سه ماه حبس تعزیری، خود را به زندان اوین معرفی کرد. وی اردیبهشت‌ماه به اتهام تبلیغ علیه نظام توسط پلیس امنیت بازداشت شده بود.

-آبان‌ماه سال جاری، مرجان اسحاقی، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه تهران، در دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس محکوم شد. وی آبان‌ماه سال گذشته و در پی تجمعات اعتراضی به افزایش قیمت بنزین بازداشت شده بود.

-همزمان، کامیار ذوقی، دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران در دادگاه انقلاب، اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور به ۴ سال حبس تعلیقی و ۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. وی آبان‌ماه سال گذشته و در پی تجمعات اعتراضی به افزایش قیمت بنزین بازداشت شده بود.

-۲۵ آبان، نیروهای اطلاعات سپاه با یورش به خانه مرتضی داداشی دانشجوی ارشد شیمی کاربردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و مجتبی داداشی دانشجوی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، ضمن تفتیش وسایل آنها، گوشی، کتاب و لپ‌تاپ آنها را ضبط کردند.

-اواخر آبان‌ماه، محمد شباهتی، دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران در فرایندی کاملاً غیابی، به اتهام اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. گفتنی است، سایر مراحل پرونده قضایی این دانشجو، از جمله تفهیم اتهام، صدور کیفرخواست، برگزاری جلسه دادرسی و صدور حکم، بدون اطلاع وی و به صورت کاملاً غیابی انجام گرفته و هم‌اکنون در مرحله اجرای حکم است. این بدعت را نیز می‌توان از ثمرات تعطیلی دانشگاه دانست.

-در آخرین مورد، هفته گذشته، الهام صمیمی، دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران، که در تاریخ ۲۵ مهر منزلش توسط نیروهای امنیتی مورد تفتیش قرار گرفته بود، بازداشت شد. الهام صمیمی از زمان یورش نیروهای امنیتی، با تهدید خود و خانواده اش، چندین بار احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفته بود. علاوه بر بازجویی این فعال دانشجویی در اوین، چندین جلسه بازجویی وی در مکانی غیررسمی و غیر قانونی (خانه امن ضابطین) در خیابان لبافی نژاد تهران صورت گرفته است. در پی مقاومت او برای مراجعه به مکان مورد نظر و ادامه ی بازجویی، مأمورین امنیتی اقدام به تهدید مکرر او و خانواده اش می‌کنند. پس از آخرین تماس نیروهای امنیتی و آزار و اذیت خانواده وی، این فعال دانشجویی تحت فشار قرار می‌گیرد که به زندان اوین مراجعه کند و با مراجعه به زندان اوین، نیروهای امنیتی این فعال دانشجویی را بازداشت می‌کنند. لازم به ذکر است نیمه شب ۲۵ مهر ماه مأموران امنیتی به خانه الهام صمیمی، یورش بردند و کتاب‌ها، لوازم شخصی و وسایل الکترونیکی از جمله موبایل و لپ‌تاپ وی و دیگر افراد ساکن در منزل از جمله وسایل بستگان و مهمان‌های او را ربودند. این فعال دانشجویی همچنین طی این یورش به احضار و برخورد امنیتی و قضایی تهدید شده بود. یک هفته از بازداشت الهام صمیمی می‌گذرد و از وضعیت او خبری در دست نیست.

-مدتی بعد ویدا ربانی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و از آن زمان تاکنون اطلاعی از وضعیت وی در دسترس نیست.

به این ترتیب، از ابتدای تعطیلی دانشگاه‌ها به بهانه شیوع کرونا در کشور، ۱۰ دانشجو بازداشت و هفت حکم قضایی علیه دانشجویان صادر شده است. علاوه بر این، حکم حبس هفت دانشجو ابلاغ، دو پرونده

قضای علیہ دانشجویان گشوده و یک دانشجو اعدام و منزل سه دانشجو تفتیش و وسایل آنها ضبط شده است.

این ها احکام و پرونده هایی است که در این مدت، خبر آنها منتشر شده است، باید توجه داشت که احتمالاً احکام انضباطی و قضایی بسیاری در سکوت خبری، دانشجویان را تحت فشار و سرکوب امنیتی قرار داده اند.

قسم حضرت عباس وزارت علوم و دم خروس!

اگر تشبیه تعطیلی دانشگاه ها به انقلاب فرهنگی دوم، تعبیر نادرستی است و مسئولان جمهوری اسلامی نگران سلامت دانشجویان هستند؛ چرا امروز دانشجویان را در زندان ها که یکی از خطرناک ترین محیط ها برای ابتلا به کروناست، محبوس کرده اند؟! باز هم با پوز خند می گوئیم قسم حضرت عباسستان را باور کنیم یا دم خروستان؟!

***جان باختن یک کارگر 60 ساله در فراهان بر اثر سقوط**

روز سه شنبه 11 آذر، یک کارگر 60 ساله حین کار در یک ساختمان نیمه کاره در یکی از محله های شهرستان فراهان ،استان مرکزی بر اثر سقوط از طبقه دوم و پس از انتقال به یکی از بیمارستان های اراک،به علت شدت جراحات جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 11 آذر ماه 1399

اتحاد مبارزه پیروزی گرامی باد 16 آذر روز دانشجو کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد

-آغاز دومین هفته اعتراضات کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند

- دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به پایمالی حقوقشان

- ادامه اعتصاب موتورسواران صورتی اسنپ فود برای افزایش کرایه پایه و عدم ارسال سفارش ها به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ برای چهارمین روز متوالی

- ادامه اعتراضات کارگران فضای سبز شهرداری بندرلنگه نسبت به عدم پرداخت مطالبات با تجمع مقابل دفتر امام جمعه

- تجمعات اعتراضی پرستاران مراکز درمانی سنندج نسبت به پرداخت نشدن بموقع مطالبات، اجرانشدن قانون تعرفه‌گذاری و عدم پاسخگویی مسئولان ذیربط مقابل اداره بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی کردستان

- جان باختن کارگر مقنی جوان در تهران بر اثر گرفتارشدن بین دستگاه بالابر و سیم بکسل ها

- جان باختن یک کارگر در نسیم شهر بر اثر سقوط از ارتفاع

- بازهم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران اینبار مصدومیت 7 کارگر کارخانه سیمان بجنورد

***آغاز دومین هفته اعتراضات کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند**

اعتراضات کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروندیک هفته را پشت سر گذاشت.

در روزهای گذشته کارگران بخش تطهیر اروند کنزالمال نیز دست به اعتصاب زدند و از جمع‌آوری زباله‌های این مجتمع خودداری می‌کنند.

بنا به گفته کارگران معترض مجتمع تجاری اروند کنزالمال، جلسات مختلفی در محل مجتمع تجاری اروند (کنزالمال) در پیگیری مطالبات کارگران برگزار شده که در نهایت هیچیک از آنها به نتیجه مشخصی نرسیده و زمان پرداخت مطالبات کارگران مشخص نشده است.

روز سه شنبه 11 آذر، یکی از کارگران حاضر در این جلسات به خبرنگار رسانه ای گفت: کارفرما شرکت پیمانکار تامین نیرومی‌گوید نقدینگی نداریم؛ اما باید پرسید اگر نقدینگی ندارید چرا مسئولیت 40 کارگر که شبانه روزی در این مجتمع زحمت می‌کشند را پذیرفته‌اید؟ همه‌جور هزینه می‌کنید و حالا که نوبت به پرداخت مطالبات کارگران رسیده، می‌گویید نقدینگی نیست.

این کارگران با بیان اینکه مجموع غرفه‌داران و مالکان حدود 300 تا 400 واحد تجاری بزرگ و کوچک در مجتمع تجاری اروند مدعی‌اند حقوق کارگران و سایر هزینه‌های جاری مجتمع را در موعد مقرر خود پرداخت کرده‌اند، اضافه کردند: در سومین روز از تجمع ازسوی مدیریت مجتمع اعلام شد طی یک الی دو روز آینده همه سه ماه معوقات مزدی کارگران پرداخت می‌شود، اما وقتی به چهارمین روز و پنجمین روز از اعتراض وارد شدیم هیچ خبری نشد تا اینکه دیروز اعلام کردند منابع مالی مجتمع صرفاً برای پرداخت یک ماه حقوق کارگران کفاف می‌دهد.

در همین رابطه:تجمع اعتراضی کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند

روز پنج شنبه 6 آذر، جمعی از کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند دست به تجمع زدند.

یکی از کارگران این مجتمع تجاری به خبرنگار رسانه ای گفت: حدود 40 کارگر هستیم که در بخش نگهداری، تاسیسات، خدمات و فضای سبز مجتمع تجاری کنزالمال یا به عبارتی اروند مال خرمشهر با سوابق 6 تا 8 سال مشغول کاریم. در حال حاضر سه ماه حقوق های شهریور، مهر و آبان ما پرداخت نشده است. به همین دلیل روز پنج شنبه 6 آذر ما کارگران این مجتمع بزرگ و بین المللی در اعتراض به بی توجهی مسئولان منطقه آزاد تجاری نسبت به پرداخت مطالباتمان دست به تجمع زدیم.

وی با بیان اینکه همه ما تحت مسئولیت یک پیمانکار تامین نیرو و با نظارت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد تجاری اروند مشغول کاریم، افزود: ما بارها به عدم پرداخت مطالباتمان به این شرکت اعتراض کرده ایم اما در پاسخ به ما، می گویند شما نیروی پیمانکاری و ما منابع مالی برای پرداخت حقوق نداریم. مگر می شود مجتمع بزرگ کنزالمال که در یک قطعه زمین 16 تا 17 هکتاری با حدود 300 تا 400 واحد تجاری بزرگ و کوچک دارد، توانایی مالی 40 کارگر را نداشته باشد.

به گفته وی؛ روز گذشته همزمان با اعتراض کارگران برخی غرفه داران و مالکان واحدهای تجاری کنزالمال مدعی شدند که شهریور ماه همه مطالبات مربوط به واحد خود را به شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند پرداخت کرده اند حالا چرا آن ها مطالبات شما کارگران را نمی پردازند، بی خبر و بی اطلاعیم.

این کارگر که در سه ماه گذشته دستمزد و حق بیمه او و سایر همکارانش پرداخت نشده است، در ادامه مشکلات خود و همکارانش گفت: جدا از مزد و بیمه معوقه از شهریور ماه همه 40 کارگر این مجتمع تجاری بدون قرارداد فعالیت کاری دارند.

او افزود: در نتیجه طولانی تر شدن موعد دریافت مطالبات معوقه، هر روز برای امرار معاش خانواده هایمان بیشتر زیر بار قرض می رویم.

این کارگر مجتمع تجاری اروند کنار با بیان اینکه با وضعیت موجود، نگران افزایش مطالباتمان در ماه های آینده هستیم، تصریح کرد: مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند هنوز تمهیدات قابل قبولی برای پرداخت مطالبات کارگران انجام نداده و بهانه وی کمبود منابع مالی در این سازمان است.

وی در پایان، گفت: در طول این چند ماه، به جای پرداخت کامل مطالبات، صرفاً بی توجهی دیده ایم. روز گذشته هم بعد از چند ساعت که از تجمع اعتراضی ما گذشت، وعده پرداخت مطالبات را در صورت بازگشت به کار دادند که البته کسی به تحقق این وعده امیدوار نیست.

***دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به پایداری حقوقشان**

سه شنبه 11 آذر: تجمع کارگران شرکت گروه ملی و پیگیری مطالبات صنفی و حق و حقوق اولیه خود و فرافکنی و حرف های پوشالی مدیر عامل پروازی یوسفی و عدم پاسخ مناسب از سوی ایشان



به گزارش کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران، یکسال از سوء مدیریت و سوء تدبیر و بی برنامه گی و شلخته بازار مدیر پروازی آقای یوسفی و تیم ضعیف ایشان می گذرد که روز به روز و ماه به ماه آمار تولید کاهش یافته و عدم نوسازی و باز سازی خطوط باعث استهلاک تجهیزات شده که بسیار خطرناک و دهشتناک است .

اختصاص برخی جایگاههای حساس و مهم توسط یوسفی به افراد غیر کار آمد غیر بومی همچون محمدی ،رکابی ،جنتی که طی یکسال با اعمال و افعال ضد کارگری همراه بوده و عدم شایستگی گزینی و ارتقاء افراد فاسدی چون خطیبی و نادری زاده که با اضافه کار و اضافه پاداش و بایکوت و عدم تایید جایگاه های کارگران ساز مخالف می زنند و هنوز مطالبات بر زمین مانده و توسط تیم ضعیف مدیریت لگد مال شده است .

اهم مطالبات کارگران به شرح زیر است :

۱_عدم پرداخت تعطیل کاری ایام کرونا

۲_عدم پرداخت حق فنی به همه کارگران

۳_عدم پرداخت بدی اب و هوا

۴_تقلب در امتحان و عدم شفافیت سازی در استخدام

۵_عدم تایید و بایکوت جایگاه ها و عناوین شغلی

۶_عدم رعایت عدالت و انصاف و تبعیض در اضافه کار و پاداش .

۷_عدم داشتن برنامه برای ورود مواد اولیه و رساندن ظرفیت تولید .

۸_نا کارآمدی بیمه نوین و پرداخت های دارو ودر مان از جیب پرسنل

۹_پایین بودن دستمزد کارگران شرکت شفق

***ادامه اعتصاب موتورسواران صورتی اسنپ فود برای افزایش کرایه پایه و عدم ارسال سفارش ها به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ برای چهارمین روز متوالی**

روز سه شنبه 11 آذر برای چهارمین روز متوالی،موتورسواران صورتی اسنپ فود برای افزایش کرایه پایه از 8 به 10 هزار تومان و عدم ارسال دیگر سفارش های اپلیکیشن اسنپ فود به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ به اعتصابشان ادامه داده وبا عدم پاسخگویی به درخواست های وارده از اسنپ روی گوشی های همراه خود از جابجایی بسته های مواد غذایی در پایتخت خودداری کردند.



روز سه شنبه 11 آذر، یکی از این رانندگان در توضیح وضعیت شغلی خود و همکاری‌اش و اعتصاب اخیرشان به خبرنگار رسانه ای گفت: «قیمت پایه جابجا کردن غذا برای ما حدود هشت هزار تومان است و ما می‌خواهیم این مبلغ افزایش یابد. ضمن اینکه اسنپ فود نباید غذا، میوه و کالاهایی که قبلاً متعلق به موتورهای صورتی بود را به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ بدهد اما چندوقت پیش برای افزایش رضایت مشتریان، راننده‌های اسنپ‌باکس این دسترسی را پیدا کرده بودند که سفارش‌های میوه و سوپرمارکت را ارسال کنند.

وی افزود: «شرکت اسنپ از دو هفته پیش دسترسی اسنپ‌باکس و اسنپ‌خودرو را برای ارسال همه‌نوع سفارشی (حتی غذا که ارسال آن بر اساس قرارداد ممنوع است) باز کرده است. این اتفاق باعث شده عملاً درآمد حداقلی ما محدودتر شده و در عین حال مجبور به پرداخت بخشی از همین حقوق حداقلی به عنوان کارمزد به اسنپ باشیم.»

یکی دیگر از رانندگان موتور اسنپ نیز گفت: «اسنپ از راننده‌های اسنپ‌باکس حدود 20 درصد کمیسیون می‌گیرد، برای همین هم است که ترجیح می‌دهد رانندگان اسنپ فود را هم به زیرمجموعه اسنپ باکس ببرد و از آنها هم همان‌قدر کمیسیون بگیرد. تا حالا اینجور بوده که ما رانندگان اسنپ فود کمیسیون نمی‌دادیم و اسنپ کمیسیون خود را از رستوران‌ها دریافت می‌کرد اما حالا در واقع می‌خواهد محل درآمد خودش را تبدیل به دو محل کند و هم از ما کارمزد کم کند و هم از محل ارسال غذا کمیسیون دریافت کند. اگر امروز اعتراض نکنیم قطعاً فردا مجبور به پرداخت کمیسیون می‌شویم درحالی که همین الان هم دستمزد خیلی کمی اسنپ به ما می‌پردازد.»

واکنش اسنپ فود به اعتصاب رانندگان و اعتراض کاربران که از نرسیدن غذایشان ناراضی بودند، این بود که آن را به بارندگی‌های اخیر نسبت بدهند و در شبکه‌های اجتماعی خود بنویسد: «به علت شرایط آب‌وهوایی و مشکل پیش‌آمده در فرایند ارسال، مارکت‌پارتنری به تعویق افتاد.»

***ادامه اعتراضات کارگران فضای سبز شهرداری بندرلنگه نسبت به عدم پرداخت مطالبات با تجمع مقابل دفتر امام جمعه**

صبح روز سه شنبه 11 آذر، کارگران فضای سبز شهرداری بندرلنگه در ادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم پرداخت مطالبات دست به تجمع مقابل دفتر امام جمعه این شهرستان در استان هرمزگان زدند.



بنا به گزارش رسانه ای شده، بیش از 4 ماه از حقوق سال گذشته کارگران فضای سبز شهرداری بندرلنگه علیرغم اعتراضاتشان پرداخت نشده است.

***تجمعات اعتراضی پرستاران مراکز درمانی سندج نسبت به پرداخت نشدن بموقع مطالبات، اجرائشدن قانون تعرفهگذاری و عدم پاسخگویی مسئولان ذیربط مقابل اداره بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی کردستان**

طی روزهای گذشته پرستاران مراکز درمانی سندج برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضاتشان نسبت به پرداخت نشدن بموقع مطالبات، اجرائشدن قانون تعرفهگذاری و عدم پاسخگویی مسئولان ذیربط تجمعاتی را مقابل اداره بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی کردستان برپا کردند.

روز سه شنبه 11 آذر این پرستاران معترض به خبرنگار رسانه ای گفتند: برخی از ما در مراکز درمانی سندج معوقات مزدی پرداخت نشده از جمله کارانه و حق کرونا طلبکاریم که مربوط به سال گذشته است و تا امروز این معوقات مزدی پرداخت نشده.

آنها افزودند: مراجعات به اداره بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی تا امروز بدون نتیجه مانده و هیچ نهادی به ما پاسخگو نبوده است.

آنها درخاتمه گفتند: با توجه به سختیهای کار و زحماتی که در دوران کرونا متحمل می شویم، حق و حقوق ما به خوبی ادا نمی شود؛ مسئولان وزارت بهداشت باید بیش از این به خواسته ها و مطالبات پرستاران توجه کنند و قوانین بر زمین مانده از جمله قانون تعرفهگذاری را اجرا نمایند.

***جان باختن کارگر مقنی جوان در تهران بر اثر گرفتارشدن بین دستگاه بالابر و سیم بکسل ها**

ظهر روز دوشنبه 10 آذر، یک کارگر 22 ساله تبعه تاجیکستان حین کار حفاری در ساختمانی واقع در بزرگراه لشگری تهران بین دستگاه بالابر و سیم بکسل ها گیر کرد و جان باخت.

***جان باختن یک کارگر در نسیم شهر بر اثر سقوط از ارتفاع**

یک کارگر 30 ساله حین کار در ساختمانی در نسیم شهر بهارستان استان تهران بر اثر سقوط از طبقه فوقانی به زمین جان خود را از دست داد.

***باز هم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران اینبار مصدومیت 7 کارگر کارخانه سیمان بجنورد**

در ادامه سریال تصادف سرویس رفت و آمد کارگران، صبح روز سه شنبه 11 آذر مینی بوس حامل کارگران کارخانه سیمان بجنورد در استان خراسان شمالی واژگون و 7 نفر مصدوم شدند.

بنابه گزارشات رسانه ای شده، سه نفر از مصدومان به بیمارستان بجنورد منتقل و چهار نفر دیگر در محل حادثه به صورت سرپایی درمان شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 10 آذرماه 1399

اتحاد مبارزه پیروزی گرامی باد 16 آذر روز دانشجو کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد

- اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی برای دومین روز متوالی

- سومین روز اعتصاب موتورسواران صورتی اسنپ فود برای افزایش کرایه پایه و عدم ارسال سفارش ها به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ

- اعتراض کانون نویسندگان ایران به بازداشت امین مرادی

- کانون نویسندگان ایران: دادگاه آرش گنجی تجدید شد

- جان باختن کارگر جوان در شهرک صنعتی نجف آباد بر اثر گاز گرفتگی

- جان باختن یک کارگر فولاد زرنده بر اثر غرق شدن در حوض کارخانه

***اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی برای دومین روز متوالی**

روز دوشنبه 10 آذر برای دومین روز متوالی، کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز به اعتصاب و تجمعشان برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی ادامه دادند.

کارگران شرکت ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز در تماس با خبرنگار رسانه ای، از تجمع روز دوشنبه خود در داخل شرکت خبر دادند.

این کارگران گفتند: تیم مدیریتی که اخیراً در شرکت مستقر شده، نمی‌تواند شرکت را به بهره‌وری و رونق برساند.

این کارگران با ابراز نگرانی در مورد آینده شغلی خود، از دولت خواستند به وضعیت بخرنج کارخانه ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز ورود کرده و امنیت شغلی را به کارگران بازگردانند.

کارگران ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز ضمن ابراز نگرانی از آینده شرکت، افزودند: مدیریتی که اخیراً از سوی سازمان گسترش به شرکت وارد شده تجربه و تخصص کافی را برای مدیریت ندارد و نیامده موجب ناراحتی کارگران شده است.

آنها با بیان اینکه ما خواستار تغییر تیم مدیریتی فعلی هستیم و سازمان گسترش باید منابع مالی این شرکت را تامین کند، افزودند: درخواست کارگران تداوم تولید و پرداخت منظم حقوق است.

کارگران این واحد صنعتی در خاتمه گفتند: قرار بود امروز (دوشنبه، 10 آذر ماه) تعدادی از بازرسان اداره کار و فرمانداری تبریز برای پیگیری مطالبات کارگران با آنها گفتگو کنند.

در همین رابطه پژواک دوباره صدای اعتراض کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز نسبت به نداشتن امنیت شغلی با اعتصاب و برپایی تجمع

روز یکشنبه 9 آذر همزمان با معرفی مدیرعامل جدید شرکت ریخته‌گری ماشین سازی تبریز، کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز با اعتصاب و برپایی تجمع صدای اعتراضشان را نسبت به نداشتن امنیت شغلی منعکس کردند.

به گزارش یک منبع خبری محلی، بعد از واگذاری شرکت ماشین سازی به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، «تقوا منش» بعنوان مدیرعامل جدید معرفی شد و امروز در حضور مدیرکل کار و رفاه اجتماعی استان و رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان معارفه گردید.

در همین رابطه، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان گفت: امروز برای کارخانه ریخته‌گری ماشین سازی سرپرست جدید معرفی شده بود و برخی از کارگران نگران آینده شغلی خود بودند، چون اولین بار است که شرکت گسترش صنایع ایران این کارخانه را تحویل می‌گیرد.

وی افزود: کارگران دغدغه این را داشتند که امنیت شغلی آنها و روند تولید به چه شکلی خواهد بود.

وی به جلسه عصر امروز خود با برخی مسئولین پیرامون این مساله اشاره داشته و بیان داشت: قرار شد کارخانه با توافق و تعامل کارگران، مدیران استانی و سرپرست جدید، اداره شود و سازمان گسترش هم نسبت به نقدینگی و تامین مواد اولیه اقدامات خود را انجام دهد.

او درخاتمه گفت: قرار شد سازمان گسترش پیگیری مشکلات کارگران و تکمیل اعضای هیئت مدیره شود و متولیان کارگران متعهد شدند که امنیت شغلی آنها را فراهم کنند.

***سومین روز اعتصاب موتورسواران صورتی اسنپ فود برای افزایش کرایه پایه و عدم ارسال سفارش ها به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ**

روز دوشنبه 10 آذر برای سومین روز متوالی، موتورسواران صورتی اسنپ فود برای افزایش کرایه پایه از 8 به 10 هزار تومان و عدم ارسال دیگر سفارش های اپلیکیشن اسنپ فود به اسنپ باکس و تاکسی اسنپ اعتصابشان ادامه دادند و از جابجایی بسته های مواد غذایی در پایتخت از سعادت آباد تا مرزداران، جردن تا ونک و نیاوران خودداری کردند.





snappfood_ir Sm

Snapp!
Food



به علت مشکل پیش آمده
در فرآیند ارسال و به جهت
حفظ کیفیت سرویس دهی،
امکان ثبت سفارش به طور موقت در
برخی از مناطق محدود شده است.

از صبر و شکیبایی شما سپاسگزاریم

در دو روز گذشته اگر در تهران چرخی می‌زدید، احتمالاً موتورسواران صورتی اسنپ‌فود را می‌دیدید که سوئیچ‌ها را داخل جیبشان گذاشته‌اند و قصد نداشتند چیزی را جابه‌جا کنند یا به مقصد برسند. از سعادت‌آباد تا مرزداران، جردن تا ونک و نیاوران بایکرها موتورها را خاموش کرده و حتی نگاهی هم به صفحه گوشی نمی‌انداختند. خواسته آنها چه بود؟ کرایه پایه به بالای 10 هزار تومان برسد و دیگر سفارش‌های اپلیکیشن اسنپ‌فود به اسنپ‌باکس و ماشین اکو ارسال نشود.

برای اینکه بدانید ماجرا چیست، اول باید فرق اسنپفود را با اسنپباکس بشناسید. اسنپباکس بیشتر برای حمل کالا استفاده می‌شود و روی ترک موتور، یک جعبه سبز دارد، اما اسنپفود غذا، میوه، نان و ... جابه‌جا می‌کند و رنگ جعبه‌اش صورتی است. یکی از راننده‌های اسنپفود درباره این دو روز اعتراض و توقف اینطور توضیح می‌دهد که آنها به دو موضوع اعتراض دارند:

اول اینکه قیمت پایه جابه‌جا کردن غذا برایشان هشت هزار تومان است و می‌خواهند این مبلغ افزایش یابد. دوم هم اینکه اسنپفود نباید غذا، میوه و کالاهایی که قبلاً متعلق به موتورهای صورتی بود را به اسنپباکس و تاکسی اسنپ بدهد. چندوقت پیش برای افزایش رضایت مشتریان، راننده‌های اسنپباکس این دسترسی را پیدا کرده بودند که سفارش‌های میوه و سوپرمارکت را ارسال کنند.

اما این سرویس‌ها ابتدا فقط محدود به مقصدهای دور و زمان‌های شلوغ بود. شرکت اسنپ از دو هفته پیش دسترسی اسنپباکس و اسنپخودرو را برای ارسال همه‌نوع سفارشی (حتی غذا که ارسال آن بر اساس قرارداد ممنوع است) باز می‌کند. حالا چرا این موضوع برای موتورهای صورتی اسنپفود گران تمام می‌شود؟

چون سر سفره‌ای که قبلاً فقط خودشان نشسته بودند، دو مهمان دیگر هم حاضر شده است. حالا تازه این را در نظر بگیرید که کف کرایه‌های اسنپباکس، هزار تومان بیشتر از آنها و کف کرایه اسنپ ماشین هم 13 هزار تومان است. پس عجیب نیست که از این موضوع شاکی شده باشند؛ هم رقبای تازه‌ای پیدا کرده‌اند و هم کرایه کمتری دریافت خواهند کرد.

البته موتورسواران اسنپفود تحلیل دیگری هم دارند. آنها می‌گویند که شرکت اسنپ، از راننده‌های اسنپباکس 20 درصد کمیسیون می‌گیرد و برایش نفع بیشتری دارد که همه کارهایش را اسنپباکس انجام دهد، اما اسنپفودی‌ها به اسنپ کمیسیون نمی‌پرداختند. به‌خاطر همین هم استدلال آنها این است که اگر امروز اعتراض نکنند، فردا مجبور به پرداخت کمیسیون می‌شوند و این آش هم برایشان شورتر می‌شود.

یک راننده اسنپفود که می‌گوید ماهانه به طور میانگین چهار میلیون تومان درآمد دارد، درباره اعتراضشان توضیح می‌دهد: «از روز اول که من در اسنپفود کار کردم تا سال پیش، قیمت پایه هفت هزار تومان بود. بعد آن را هزار تومان افزایش دادند اما باز هم دردی را از ما دوا نکرد. مثلاً از میدان پونک تا باغ‌فیض یک بار را باید با هشت تومان جابه‌جا کنم، اما اگر بخواهم یک نوشابه بخرم، باید 10 هزار تومان بدهم.» خلاصه اینکه آنها آنقدر عصبانی هستند که روز گذشته به گفته او به‌جز دو، یا سه نفر بایکر (یا همان موتورسوار)، فرد دیگری در شهر تهران کار نکرده است.

این بایکر معترض می‌گوید از روزی که اعتراض را شروع و کار را متوقف کرده‌اند، اسنپفود دو اس‌ام‌اس برایشان فرستاده است. اولی این بوده که هر کسی روز شنبه چیزی جابه‌جا کند، 30 هزار تومان اعتبار هدیه دریافت خواهد کرد. دومی هم اینکه به بسیاری از همکارانشان پیامکی فرستاده‌اند که باید به کلانتری مراجعه کنند.

خیلی از این افرادی که این پیام را گرفتند اصلاً در سر کار نبوده‌اند. اسنپفود 930 کارمند دارد و در یک روز عادی 100 هزار تراکنش مالی با میانگین 50 هزار تومان در آن اتفاق می‌افتد. راننده‌های موتورسوار اسنپ می‌گویند: «ما این شرکت را به اینجا رساندیم و حالا نمی‌خواهیم که حقمان را به سرویس‌های اسنپباکس یا اسنپ‌اکو بدهیم.»

آنها در یکی از کانال‌های خبری‌شان نوشته‌اند: «موفقیت و پیشرفت امروز اسنپ‌فود مدیون تلاش و زحمات‌های بی‌وقفه ما در گرما و سرماست. چه کسانی که در راه این شغل پرمخاطره جان خود را از دست ندادند. اما اسنپ‌فود به‌جای قدردانی از زحمات ما در این شرایط بحرانی، ما را کنار زده و درصدد دور زدن ماست. ما هم تا زمانی که حق خود را بگیریم به اعتراض ادامه خواهیم داد.»

واکنش اسنپ‌فود چه بود؟

اسنپ‌فود در برابر این اعتراض در صفحه اینستاگرام خود برای مشتریان اینگونه نوشت: «به علت شرایط آب‌وهوایی و مشکل پیش‌آمده در فرایند ارسال، مارکت‌پارتنری به تعویق افتاد.» مارکت‌پارتنری قرار بود همان جمعه سیاه اسنپ‌فود باشد که تخفیف زیادی روی کالاها بگذارد.

اما با اعتراض برخی موتورسوارها همه کاسه‌وکوزه‌ها برای برندینگ این شرکت شکسته شد. علاوه بر این هنگام سفارش دادن هم، این اپلیکیشن هشدار می‌دهد که در برخی از نقاط به طور موقت امکان سفارش، محدود شده است. به غیر از این، هیچ توضیح دیگری در این دو روز از سوی این شرکت دیده نشد و به گفته روابط عمومی هنوز موضع رسانه‌ای در برابر آن گرفته نشده است.

سلام. ما کارگران کارخانه ایران پوپلین رشت ۵۲ روز هست که حقوق نگرفتیم! توی این وضعیت گرانی و تورم، کرایه خونه و قسط آخه چطور آدم زندگی بکنه؟ چرا کسی پاسخ گو نیست؟ مسئولین خودشون به جای ما باشند ۵۲ روز حقوق دریافت نکنند با این وضع اقتصادی اصلا سرکار می‌روند؟! توی این ایام کرونا، تعطیلی که نداریم هیچ از حقوق هم خبری نیست!

♦ به جای پرداخت سنوات بازنشستگان بهتر نبود حقوق معوقه ۵۲ روز کارگر میدادند...هدف از تغییر مدیر عامل چه بود.....!!!؟

***اعتراض کانون نویسندگان ایران به بازداشت امین مرادی**

صبح روز شنبه هشتم آذر ماه ماموران امنیتی به منزل امین مرادی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، یورش برده و پس از حدود دو ساعت تفتیش، وسایل شخصی‌اش از جمله دو دستگاه لپ‌تاپ، کامپیوتر، تلفن همراه و تعدادی کتاب را ضبط و او را به زندان اوین منتقل کردند.

کانون نویسندگان ایران با ابراز نگرانی از وضعیت سلامتی مرادی در شرایط شیوع گسترده ویروس کرونا و با توجه به این که وی از دیسک کمر و بیماری ریوی رنج می‌برد، خواستار آزادی فوری این شاعر و رفع نگرانی خانواده‌ی اوست.

کانون نویسندگان ایران

۹ آذر ۱۳۹۹

***کانون نویسندگان ایران: دادگاه آرش گنجی تجدید شد**

امروز، نهم آذر، دادگاه آرش گنجی، منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، طبق قرار قبلی با حضور وکیل او، ناصر زرافشان، برگزار شد. از آنجا که گنجی به دلیل داشتن علائم مشکوک به کرونا

نتوانست در جلسه‌ی رسیدگی به پرونده‌اش حاضر شود، قرار شد وقت دیگری برای دادگاه تعیین و به او ابلاغ شود.

این جلسه در شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی عموزاد و به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت و همکاری با گروهک مخالف نظام» برگزار شد. گنجی پیشتر در نخستین جلسه‌ی محاکمه‌اش در ۲۵ خرداد ماه سال جاری این اتهامات را رد کرده بود.

آرش گنجی روز یکم دی ماه سال گذشته به دلایل نامعلوم بازداشت و پس از چهار هفته با تأمین قرار ۴۵۰ میلیون تومانی تا برگزاری دادگاه از زندان اوین آزاد شد. اولین جلسه‌ی دادگاه به علت نامفهوم بودن برخی موارد به تاریخ دیگری موکول شد، با این همه قاضی مقیسه وثیقه را به ۳ میلیارد تومان افزایش داد که منجر به بازداشت مجدد گنجی شد. او پس از تأمین وثیقه روز ۳۱ خرداد موقتاً و تا پایان مراحل دادرسی از بازداشتگاه اوین آزاد شد.

***جان باختن کارگر جوان در شهرک صنعتی نجف آباد بر اثر گاز گرفتگی**

یکشنبه شب (۹ آذر)، یک کارگر ۲۲ ساله در شهرک صنعتی نجف آباد در استان اصفهان بر اثر گاز گرفتگی در داخل اتاقک نگهداری کارخانه ای جان خود را از دست داد.

***جان باختن یک کارگر فولاد زرنند بر اثر غرق شدن در حوض کارخانه**

روزیکشنبه ۹ آذر، یک کارگر ۴۹ ساله بدنبال سقوط در حوض آب کارخانه فولاد شهر زرنند در استان کرمان، غرق و جانش را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری ۹ آذرماه ۱۳۹۹

اتحاد مبارزه پیروزی
گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو
کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد

- پژواک دوباره صدای اعتراض کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز نسبت به نداشتن امنیت شغلی با اعتصاب و برپایی تجمع

- ادامه اعتراضات دامنه دار کارگران فضای سبز شهرداری زنجان نسبت به عدم تبدیل وضعیت

- محمود صالحی: داود جان صبر داشته باش!

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

عدم تحویل لباس فرم و کاپشن رانندگان شرکت واحد در دو سال گذشته از سوی مدیریت

- جان باختن معدن آلباغ اسفراین بر اثر گازگرفتگی

- تصادف وانت نیسان حامل کارگران کشاورزی در محور آبدان - دوراهک و مصدومیت 22 نفر منجمله چند کودک کار

- درباره کارگر زن 39 ساله جان باخته یک واحد تولیدی شاهرود حین کار

***پژواک دوباره صدای اعتراض کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز نسبت به نداشتن امنیت شغلی با اعتصاب و برپایی تجمع**

روز یکشنبه 9 آذر همزمان با معرفی مدیرعامل جدید شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز، کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز با اعتصاب و برپایی تجمع صدای اعتراضشان را نسبت به نداشتن امنیت شغلی منعکس کردند.

به گزارش یک منبع خبری محلی، بعد از واگذاری شرکت ماشین سازی به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران، «تقوامنش» بعنوان مدیرعامل جدید معرفی شد و امروز در حضور مدیرکل کار و رفاه اجتماعی استان و رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان معارفه گردید.

در همین رابطه، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان گفت: امروز برای کارخانه ریخته گری ماشین سازی سرپرست جدید معرفی شده بود و برخی از کارگران نگران آینده شغلی خود بودند، چون اولین بار است که شرکت گسترش صنایع ایران این کارخانه را تحویل می گیرد.

وی افزود: کارگران دغدغه این را داشتند که امنیت شغلی آنها و روند تولید به چه شکلی خواهد بود.

وی به جلسه عصر امروز خود با برخی مسئولین پیرامون این مساله اشاره داشته و بیان داشت: قرار شد کارخانه با توافق و تعامل کارگران، مدیران استانی و سرپرست جدید، اداره شود و سازمان گسترش هم نسبت به نقدینگی و تامین مواد اولیه اقدامات خود را انجام دهد.

او درخاتمه گفت: قرار شد سازمان گسترش پیگیری مشکلات کارگران و تکمیل اعضای هیئت مدیره شود و متولیان کارگران متعهد شدند که امنیت شغلی آنها را فراهم کنند.

***ادامه اعتراضات دامنه دار کارگران فضای سبز شهرداری زنجان نسبت به عدم تبدیل وضعیت**

روزیکشنبه 9 آذر، کارگران فضای سبز شهرداری زنجان در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت خطاب به وزیرکار گفتند: تبدیل وضعیت استخدامی مطالبه ای است که کارگران

فضای سبز شهرداری زنجان سال‌هاست آن را پیگیری و بیان می‌کنند، اما گوش شنوایی در استان برای آن نمی‌یابند.

این کارگران به خبرنگار رسانه ای گفتند: شمار زیادی از کارگران شاغل در واحد فضای سبز شهرداری زنجان هستیم که علارغم دائمی بودن کارمان حدود ده سال است شهرداری با ما قرارداد فصلی منعقد می‌کند. در این فاصله ما بدون وقفه مطابق قانون کار کرده‌ایم و حتی هیچ وقفه‌ای بین کارمان ایجاد نشده است.

آن‌ها با بیان اینکه در قانون کار بر لزوم انعقاد قراردادهای بلندمدت برای مشاغلی که ماهیت دائمی و مستمر دارند، تاکید شده است، افزودند: کارگران فضای سبز شهرداری زنجان علارغم انجام کار دائم و مستمر، چرا باید با قرارداد فصلی کار کنند و تبدیل وضعیت نشوند.

به گفته کارگران؛ حقوقی که یک کارگر قرارداد فصلی دریافت می‌کند، کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد. با این حال باوجود تشابه نزدیکی که میان حرفه کارگران قرارداد فصلی فضای سبز با برخی نیروهای قرارداد مستقیم و حتی پیمانکاری همانند کارگران واحد امور شهری و عمران وجود دارد، متأسفانه دستمزدهایی که به کارگران قرارداد فصلی فضای سبز پرداخت می‌شود حداقل‌های قانون کار است و به هیچ وجه دریافتی آن‌ها قابل مقایسه با سایر کارگران پیمانکاری قرارداد دائم یا ثابت نیست.

به اعتقاد کارگران شهرداری زنجان؛ مشاغل فصلی جزو مشاغل ناقص به حساب می‌آید که در آن افراد در این مشاغل به دلایل مختلف به صورت دائمی کار نمی‌کنند و در هر مقطعی از کار ممکن است 10 یا 20 روز کار کنند. بنابراین کارفرما بر اساس همان میزان کارکرد حقوق و بیمه کارگر را می‌پردازد. اما ما کارگران فضای سبز شهرداری زنجان کارمان در چهار فصل سال دائمی است و شهرداری در عقد قرارداد دائم با ما کوتاهی می‌کند.

این کارگران شاغل در شهرداری زنجان با بیان اینکه بارها مسائل شغلی خود را با مسئولان اداره کار و مدیران شهری زنجان مطرح کرده اما جوابی دریافت نکرده‌ایم، افزودند: لایه‌لایه کردن نیروی کار و تفاوت در مزد و سایر مزایای قانونی در بخش‌های مختلف شهرداری که کارگران آن زیر نظر مستقیم شهرداری مشغول کارند، جدا از معذوریت‌های قانونی، وجدانی و اخلاقی نیست.

به گفته آن‌ها؛ در شش ماهه نخست سال جاری کارگران فضای سبز این شهرداری تحت فشار شهردار و اعضای شورای شهر برای عقد قرارداد کار با پیمانکار بخش خصوصی قرار گرفته بودند که با مقاومت کارگران این موضوع موقتاً ملغی شد.

کارگران در ادامه اضافه کردند: برخلاف ادعای برخی مدیران شهری ما کارگران معتقدیم ورود پیمانکاران باعث بهبود وضعیت کار و افزایش درآمد کارگران نمی‌شود به همین دلیل براساس تجربه‌ای که از همکاری با پیمانکاران داریم، آنها به طور کل بدحساب بوده و در هر وضعیتی امنیت شغلی کارگران تحت مسئولیت خود را به خاطر منافع مالی به خطر می‌اندازند.

طبق اظهارات کارگران فضای سبز شهرداری زنجان؛ امروز قراردادهای یک تا سه ماهه، فصلی و پیمانکاری به کارگران شهرداری زنجان در حالی تحمیل می‌شود که این موضوع باعث کاهش اعتماد کارگران به کارفرمایان می‌شود. در عین حال بر کیفیت و هم بر کمیت کار تاثیرگذار است. بنابراین بهتر

است مدیران شهری زنجان برای توسعه فعالیت‌های شهری، با عقد قراردادهای دائم با ما کارگران فضای سبز همراهی کنند تا کارگران با رضایت کار کنند.

این کارگران در ادامه تصریح کردند: جدای از مصائب معیشتی ناشی از ماهیت مشاغل فصلی که ما را از خیلی از مزایای اضافه حقوق محروم می‌کند، می‌توان روی این نکته هم تاکید کرد که درج عنوان فصلی در متن قرارداد جدا از محرومیت‌های محیط کار، محدودیت‌های دیگری را برای ما کارگران به همراه دارد. به عنوان نمونه یک کارگر فضای سبز هیچگاه با این قرارداد امکان دریافت تسهیلات بانکی نخواهد داشت. برچسب عنوان فصلی بودن شغل یعنی امنیت شغلی کارمان در حد صفر است و مدیریت بانک نمی‌تواند به ما اعتماد کند.

کارگران شهرداری زنجان در عین حال گفتند: همه ما کارگرانی که در چنین شرایط شغلی در شهرداری کار می‌کنیم باوجود داشتن سختی کار از مزایای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور نیز برخوردار نیستیم. متأسفانه اکثر کارگران شهری که با شرایط شغلی ما کار می‌کنند با وجود داشتن سابقه طولانی کار حتی با 30 سال خدمت به سن بازنشستگی نمی‌رسند اما حقوق‌مان بر اساس حداقل‌های مصوبه شورایعالی کار پرداخت می‌شود.

کارگران شهرداری زنجان با یادآوری به اینکه به هیچ وجه در صورت بازگشت پیمانکاران فضای سبز در مجموعه شهرداری با آنها کنار نخواهیم آمد و بدنبال عقد قرارداد بدون واسطه با شهرداری هستیم.

***محمود صالحی: داوود جان صبر داشته باش !**

کارگران ، تشکلهای کارگری و انسانهای آزادیخواه .

داوود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو بعد از اخراج در وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی همچون کارگران اخراجی دیگر از کارفرمای خود شکایت می کند. بعد از ماه ها پیگیری مسئولان روابط کار از او درخواست می کنند تا مبلغ 200 میلیون تومان رشوه به آنها بدهد تا حکم ابقاء به کار برایش صادر کنند. کارگر اخراجی در اعتراض به این درخواست غیر انسانی در مقابل وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی با در دست داشتن چندین پلاکارت تحصن می کند. کارگر اخراجی توسط نیروهای انتظامی دستگیر و پرونده ای در این رابطه برای او تشکیل و به مراجع قضایی ارجاع می دهند. قاضی پرونده داوود رفیعی را به اتهام اینکه به اخراج خود اعتراض کرده است و خواسته مبلغ 200 میلیون تومان رشوه به مسئولان روابط کار بدهد. او را به 74 ضربه شلاق محکوم می کنند و این روزها حکم صادره را در حق او اجراء کردند.

داوود جان در حقیقت اجرای این احکام قرون و ستایی تنها در حق تو نبود. بلکه اجرای این احکام ضد بشری علیه تمام کارگران ایران و جهان بود. داوود جان ما کارگران ایران ضمن محکوم کردن این احکام ضد انسانی ، هیچ وقت این بی احترامی به خود و طبقه کارگر را فراموش نخواهیم کرد و آن را در حافظه خود ثبت می کنیم.

و اما نکته ای که توجه مرا به خود جلب کرده است، این می باشد که رئیس قوه قضائیه فعلی یکی از شعارهایش مقابله با رشوه خواران در ادارات دولتی و غیر دولتی است. ولی در زمان تصدی او بر بدن کارگر معترضی که آماده نبوده تا به درخواست کنندگان رشوه ، رشوه بدهد؛ شلاق میزنند !!

در رابطه با این حکم قرون و ستایی دو سؤال دیگر به وجود می آید.

1- آیا شعار رئیس قوه قضائیه تو خالی است؟!!

2- یا این دولت در اصل ضد کارگر است؟!!

9/9/99



*سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

عدم تحویل لباس فرم و کاپشن رانندگان شرکت واحد در دو سال گذشته از سوی مدیریت

در سالهای ۹۷، ۹۸ و ۹۹ لباس فرم بطور کامل پرداخت نشده و در هر کدام از این سالها بخشی از این پرداختها کسر شده است نظیر کاپشن، لباس فرم، کمر بند و جوراب، این کسر کردن بخشهایی از لباس کار کاملاً هدفمند صورت گرفته تا بتوانند به مرور زمینه حذف آنرا فراهم کنند.

لباس فرم از خواسته‌های رانندگان شرکت واحد در موج اعتراضات و اعتصاباتشان در سال ۸۴ بود و پس از آن هر ساله دو دست شلوار و پیراهن فرم، یک کمر بند، یک جفت کفش و یک جفت جوراب به رانندگان داده شد.

در سالیان اخیر بارها شارژ کارت اعتباری کارگران و شیر کیک معوق شده و آنجا که رانندگان و کارگران در برپایی اعتراض قدری تعلل کردند آن مزایا پرداخت نشده و البته برنامه مدیریت است که پرداخت‌های مختلف به کارگران را از اساس قطع کند و اگر تا امروز محقق نشده به دلیل اعتراضات رانندگان در مقاطع زمانی مختلف بوده است. تاخیر در پرداخت پاداش عدم تصادف، عدم پرداخت بن دانش آموزی، معوق شدت لباس فرم رانندگان و لباس کار کارگران تعمیرگاه و توقفگاه، تاخیر چندین ماهه در پرداخت چهار درصد حق بیمه کارگران در زمان بازنشستگی، تاخیر در پرداخت حق سنوات بازنشستگان تا یکسال و پرداخت اقساطی آن و در ماه‌های گذشته تاخیر در پرداخت حقوق و عیدی، همه در راستای برنامه مدیریت برای محدود کردن مزایای مستمر و حقوق کارگران بوده است.

سندیکا، رانندگان و کارگران را به مقابله با برنامه مدیریت برای حذف مزایا و محدود کردن حقوق، فرامی‌خواند. کارگران نباید به حرف‌های تفرقه انگیز مدیریت توجه کنند. مدیریت با فریب به گروهی از کارگران می‌گوید تاخیر در پرداخت سنوات و حق بیمه چهار درصد که مشکل شما نیست، به گروهی دیگر می‌گوید شما در آستانه بازنشستگی هستید بخاطر لباس کار، شیر و کیک و شارژ کارت اعتباری خودتان را به دردرس نیندازید و ... کارگران غافل نباشند که برای مقابله با برنامه محدود سازی مزایای مستمر و حقوق باید اتحاد سراسری داشته باشند. فراموش نکنیم که در سال ۸۴ حضور حداکثری کارگران در سندیکا موجب برقراری همه این مزایا و افزایش حقوق شد و برای حفظ مزایا همچنین افزایش آن کارگران باید با جدیت سندیکای خودشان را حمایت و در فعالیت‌ها مشارکت حداکثری داشته باشند.

***جان باختن معدن آلبلاغ اسفراین بر اثر گازگرفتگی**

یک کارگر 50 ساله معدن آلبلاغ اسفراین در استان خراسان شمالی بنام حسن روشنی بدلیل روشن کردن پیک نیک در داخل چادر دچار گاز گرفتگی شد و جان خود را از دست داد.

***تصادف وانت نیسان حامل کارگران کشاورزی در محور آبدان - دوراهک و مصدومیت 22 نفر منجمله چند کودک کار**

عصر روزیکشنبه 9 آذر، بر اثر تصادف وانت نیسان حامل کارگران کشاورزی با یک خودرو زانتیا در محور آبدان - دوراهک روبروی روستای سورو در شهرستان دیر در استان بوشهر 20 کارگر و یک نفر راننده نیسان وانت و تک سرنشین خودرو زانتیا مصدوم و به بیمارستان کنگان منتقل شدند.

سن مصدومین 12 تا 60 سال گزارش شده است و از ناحیه سر، گردن، کمر، شکم، دست و پا دچار آسیب شده‌اند.

***درباره کارگر زن 39 ساله جان باخته یک واحد تولیدی شاهرود حین کار**

هویت کارگری زنی که سه‌شنبه هفته گذشته در جریان حادثه کار در یک کارخانه کارتن‌سازی در حوالی شهر شاهرود کشته شد، مشخص شد.

مریم نصرتی کارگر یک واحد تولیدکننده انواع کارتن در روستای علی آباد (بسطام) واقع در کیلومتر ده شاهرود بود که روز سه‌شنبه هفته گذشته حین تعمیر و راه‌اندازی دستگاه داکات (پرس) دچار حادثه کار شد و جان باخت.

به گفته همکاران او؛ خانم نصرتی کارگر باتجربه بخش تولید بود که سالهاست به عنوان مدیر تولید و سرپرست کارگاه انتخاب شده بود.

طبق اظهارت این کارگران؛ خانم نصرتی متاهل و دارای فرزند است و مراسم تدفین وی روز چهارشنبه در زادگاهش با حضور چند نفر از همکاران انجام شده است.

کارگران در خاتمه تصریح کردند: این واحد کارتن‌سازی پیش از این در زمینه تولید انواع دستمال کاغذی با نام تجاری «قیصر» فعال تولیدی داشته است.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 8 آذرماه 1399

اتحاد مبارزه پیروزی گرامی باد 16 آذر روز دانشجو کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد

- کنش‌های دامنه دار کارگران سد شهر بیجار سفید رود برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و اعتراضشان نسبت به بی‌خیالی پیمانکار و بی‌تفاوتی مسئولان ذیربط شهرستان رودبار و استان گیلان

- تجمعات اعتراضی کارکنان سازمان صداوسیما ساکن سه مجتمع مسکونی مهستان در منطقه 22 تهران نسبت به عملکرد اعضای هیات مدیره تعاونی مسکن و پیمانکار پروژه

- رواج پدیده "بام فروشی" در مشهد

- افزایش 40 درصدی کارگران جان باخته بر اثر حوادث کاری در استان آذربایجان شرقی طی 7 ماهه اول سال جاری

- جان باختن کارگر زن 39 ساله یک واحد تولیدی شاهرود حین کار

- جان باختن یک کارگر معدن مس تخته گنبد سیرجان حین کار بر اثر تصادف

- مصدومیت 3 کارگر در حادثه واژگونی سرویس رفت و آمد در مسیر هویزه به جفیر

***کنش های دامنه دار کارگران سد شهر بیجار سفید رود برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و اعتراضشان نسبت به بی خیالی پیمانکار و بی تفاوتی مسئولان ذیربط شهرستان رودبار و استان گیلان**

روز شنبه 8 آذر، کارگران سد شهر بیجار سفید رود در استان گیلان از کنش های دامنه دارشان برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و اعتراضشان نسبت به بی خیالی پیمانکار و بی تفاوتی مسئولان ذیربط شهرستان رودبار و استان گیلان خبر دادند.

حدود 42 کارگر شاغل در پروژه ساخت سد مخزنی شهر بیجار استان گیلان، دست کم 14 ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده، دارند.

به گفته کارگران، آنها از طریق یک شرکت دسته دو تامین نیرو با نظارت شرکت آب و منطقه ای گیلان در منطقه روستایی شهر بیجار روی رودخانه «زیلکی» مشغول کارند. شرکت پیمانکار علاوه بر تاخیر در پرداخت مطالبه مزدی آنها، در پایان آبان ماه، 4 تا 5 نفر از کارگران بومی را به دلیل عدم نیاز با اتمام قرارداد کار اخراج کرده است.

این کارگران که هنوز حق سنوات و عیدی و پاداش پایان سال 98 خود را از کارفرما طلبکارند، به خبرنگار رسانه ای گفتند: پیمانکاری که ما در استخدامش هستیم حدود 8 ماه حقوق سال گذشته را به همراه 6 ماه حقوق سال جاری به ما بدهکار است. همچنین حق بیمه کارگران این پروژه با مشکل پرداخت مواجه است به طوری که دفترچه های درمانی ما در برخی از ماه های سال فاقد اعتبار می شود.

آنها افزودند: آخرین حقوقی که دریافت کرده ایم حدود یک هفته پیش بوده که کارفرما به صورت علی الحساب مبلغ 3 و نیم میلیون تومان به حسابمان واریز کرد. در عین حال اردیبهشت ماه سال جاری مبلغ دو میلیون تومان دریافت کردیم.

آنها ادامه دادند: در این پروژه عمرانی که از آذرماه 86 آغاز شده است، بیش از 370 نفر مشغول کار بودند که به مرور با اتمام بخش هایی از پروژه، تعداد کارگران به کمتر از 42 نفر کاهش پیدا کرد که هم اکنون در بخش های پایانی پروژه مشغول انجام کارهای تاسیسات و برق هستند.

کارگران در ادامه افزودند: طی چند سال گذشته که با چند شرکت پیمانکاری همکاری شغلی داشته ایم، بخشی از مطالباتمان در زمان هر یک از این پیمانکاران پرداخت نشده است به همین دلیل تعدادی از همکاران در پیگیری مطالبات معوقه خود به اداره کار شهرستان رودبار که در شهر منجیل واقع شده، مراجعه کرده و پرونده شکایت آنها در دست رسیدگی است.

کارگران شاغل در پروژه سد شهر بیجار درباره وضعیت یکی از همکاران اخراجی خود گفتند: کارفرما در حالی تصمیم به اخراج تعدادی از همکاران ما گرفت که یکی از آنها اخیراً حین کار در این پروژه دچار مصدومیت از ناحیه انگشتان دست شد. با وجود آنکه روند درمانی این کارگر مصدوم از همان روز حادثه آغاز شد اما رسیدگی کافی حین درمان به او و خانواده وی انجام نشد و او تمام مخارج مربوط به درمان خود را از جیب هزینه کرد.

کارگران پیمانی پروژه سد شهر بیجار خواستار آن هستند تا مدیرعامل آب منطقه ای گیلان در مقام کارفرمای اصلی چاره ای برای تامین منابع مالی این پروژه عمرانی و پرداخت دستمزد نیروی کار

بیندیشد. آنها گفتند: اگر قرار است مشکلات به همان صورت قبل استمرار داشته باشد، کارگران امنیت شغلی خود را از دست می‌دهند.

این کارگران گفتند: وقتی برای پیگیری مشکلاتمان به دفتر پیمانکار مراجعه می‌کنیم، با بی‌توجهی مسئولان این شرکت روبرو می‌شویم.

کارگران پروژه سد شهر بیجار در خاتمه گفتند: کارفرما در پرداخت مطالبات معوقه کارگران هیچ عکس‌العملی جدی از خود نشان نمی‌دهد و ما با رسانه‌ای کردن مشکلاتمان منتظریم شاید مسئولان استانی حرکتی از خود نشان دهند.

***تجمعات اعتراضی کارکنان سازمان صداوسیما ساکن سه مجتمع مسکونی مهستان در منطقه 22 تهران نسبت به عملکرد اعضای هیات مدیره تعاونی مسکن و پیمانکار پروژه**

کارکنان سازمان صداوسیما ساکن سه مجتمع مسکونی مهستان در منطقه 22 تهران برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به عملکرد اعضای هیات مدیره تعاونی مسکن و پیمانکار پروژه تجمعات اعتراضی برپا کردند.





جمعی از حدود به هزار و 350 نفر از خانواده‌های کارکنان سازمان صداوسیما که در سه مجتمع 110 واحدی منطقه 22 تهران که از طریق دو تعاونی مسکن محل کار خود (تعاونی مسکن اداره کل اخبار خارجی معاونت سیاسی و تعاونی مسکن شبکه قرآن سازمان صداوسیما)، مالک و ساکن این سه مجتمع مسکونی هستند، به خبرنگار رسانه ای گفتند: از حدود ۱۲ سال پیش (سال ۸۸) عملیات ساخت و ساز سه مجتمع ۱۱۰ واحدی (۳۳۰ واحد) تعاونی مسکن کارکنان صداوسیما در یک قطعه زمین ۱۲ هزار متری در منطقه ۲۲ تهران آغاز شد و در حال حاضر حدود سه سال است که خانوارهای کارکنان بدون داشتن امکانات رفاهی در حالی به زندگی در اینجا ادامه می‌دهند که هر روز با مشکلات جدید روبرو می‌شوند.

به گفته یکی از اعضای این تعاونی؛ علاوه بر تکمیل نشدن برخی از امکانات در کنار عدم رسیدگی به مشکلات پس از ساخت، مهمترین معضلی که اخیراً به مشکلات اعضای این تعاونی افزوده شده، فشار اعضای هیات مدیره برای بدهکار کردن همه مالکین با افزایش قیمت تمام شده هر یک از واحدها و اخذ وام‌های کلان غیرضروری از یکی از بانک‌هاست.

این کارمند با بیان اینکه به تازگی اعضای هیات مدیره در اقدامی تامل‌برانگیز جدا از افزایش ۴ میلیونی قیمت واحدها بابت بازپرداخت وام‌های اخذ شده ۴۰ و ۵۰ میلیاردی از مالکان درخواست کرده‌اند برای بازپرداخت آن ماهانه ۶ تا ۱۰ میلیون تومان قسط بپردازند، افزود: این اقدام اعضای هیات مدیره تعاونی کاملاً غیرقانونی و خارج از تعهد، قرارداد و مصوبات تعاونی است چراکه دریافت این وام‌ها جدا از اینکه کاملاً غیرضروری بوده، هزینه‌کرد آن برای اعضا مشخص نیست و مدارک و اسناد آن ارائه نشده است.

او درباره یکی دیگر از مشکلات ساکنین پروژه مهستان افزود: طبق قرارداد مبلغ قیمت تمام شده هر واحد مسکونی در پروژه تعاونی مسکن کارکنان صداوسیما که در متراژهای ۱۰۰ تا ۱۶۵ و ۲۰۰ متری ساخته شده‌اند یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است و خارج از تعهد از مالکان حدود ۲ میلیون تومان دریافت شد این در حالیست که بعد از تحویل این رقم به ازای هر متر مربع به ۶ میلیون تومان افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه پیش از این نیز هیات مدیره تعاونی پس از دریافت مبلغ توافق شده در قرارداد اولیه به ازاء تحویل هر واحد مسکونی مبلغ ۳۰ میلیون تومان اضافی از مالکان پروژه گرفتند، افزود: بازم با وجود پرداخت شدن این مبلغ از سوی مالکان، هیات مدیره تعاونی قصد دارد با افزایش قیمت تمام شده

هر یک از واحدها از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به شش میلیون، مالکانی که هیچ بدهی‌ای بابت این پروژه به تعاونی و بانک ندارند را مقروض کنند.

یکی دیگر از اعضای تعاونی مسکن صداوسیما در ادامه گفت: ظاهراً مدیران تعاونی مسکن پروژه کارکنان شاغل در صداوسیما برای آنکه بتوانند این مبلغ اضافی را از مالکان دریافت کنند هر روز فشار خود را به مالکین و خانواده هایشان بیشتر می‌کنند.

او با بیان اینکه در صورتی که شرکت تعاونی هر یک از مالکان را به بانک موردنظر معرفی کند باید هر ماه اقساط چند میلیونی بپردازند، در ادامه اضافه کرد: صرف‌نظر از غیرمنطقی بودن خواسته هیات مدیره تعاونی، پرداخت تمامی این هزینه‌ها آن‌هم به صورت اقساطی با رقم ۶ تا ۱۰ میلیون تومان برای خانواده‌های کارمندی حداقل‌بگیر ساکن این سه مجتمع مقدور نیست.

وی یادآور شد: بسیاری از اعضا قبل از کامل شدن امکانات داخلی و بیرونی مجتمع‌ها به واحدهای مسکونی خود ساکن شدند اما با گذشت سه سال علارغم آنکه هر یک از مالکین با صرف مخارج زیادی اقدام به تکمیل واحد خود، تجهیز لابی و محوطه‌سازی اطراف این منازل کرده‌اند اما هنوز برخی امکانات همانند تجهیزات آتش‌نشانی انجام نشده و برای واگذاری اسناد مالکیت واحدها طبق تعهدات شرکت تعاونی، اقدامی صورت نگرفته با این‌حال برای دریافت مبالغ اضافه اعضا را در فشار گذاشته‌اند.

به گفته این عضو تعاونی مسکن؛ با وجود پیگیری‌های زیاد اهالی این مجتمع کارمندی، هنوز اعضای هیئت مدیره تعاونی مسکن و پیمانکار پروژه توضیح و پاسخ قانع‌کننده‌ای در خصوص مشکلات به وجود آمده، ارائه نکرده‌اند به همین دلیل شماری از مالکان در تاریخ اول مهر ماه سال جاری تجمع اعتراضی را مقابل ساختمان منازل مسکونی خود در پروژه مهستان انجام دادند.

این کارمند شاغل در صداوسیما در مورد پرداخت بدهی‌های بانک از اموال شرکت تعاونی گفت: اعضای هیات مدیره پروژه مسکن کارکنان صداوسیما که به نام پروژه «مهستان» شهرت دارد، سال‌ها پیش قطعه زمینی به مساحت ۱۴ هزار متر مربع در حوالی میدان موج در منطقه ۲۲ تهران خریداری کرده‌اند. مالکیت این زمین که حدود ۷۰۰ میلیارد تومان ارزش‌گذاری شده‌اند، بر اساس مدارک متعلق به مالکین پروژه مهستان است. در عین حال تعدادی واحد تجاری به مساحت ۵۰۰ متر در محدوده پروژه مهستان ساخته شده‌اند که این واحدها هم دست‌کم متری ۸۰ میلیون تومان ارزش مالی دارند.

او در ارتباط با فروش این دارایی‌ها برای پرداخت بدهی‌های شرکت تعاونی اضافه کرد: آنچه که مشخص است اینکه پس از ده سال که از خرید این زمین‌ها می‌گذرد؛ اعضای هیات مدیره هیچ اقدامی برای تملک قطعی آن زمین‌ها به نام تعاونی نکرده‌اند. در عین حال به پیشنهاد مالکان برای فروش این اموال برای بازپرداخت بدهی‌های بانکی و سایر دیون شرکت و همین‌طور رفع نواقص مجتمع مهستان موافقت نمی‌کنند.

وی افزود: نکته قابل توجه دیگر این است که خانه‌ها سال ۹۷ طبق قرارداد به متقاضیان تحویل داده نشد بلکه اعضا ناچار شدند به سبب افزایش مشکلات و فشارهای مالی اعضای هیات مدیره اقدام به تصرف واحدهای خود کنند، اما مشکلاتی کماکان ساکنان را آزار می‌دهد که نیازمند پیگیری مسئولان ارشد قوه قضائیه است.

او اضافه کرد: هیچکدام از کارکنان و اعضای آزادی که در این مجتمع ها ساکن شده‌اند توانایی پرداخت اقساط سنگین تحمیلی را ندارند و بر این اساس با تنظیم نامه‌ای مشکلات را به اطلاع مسئولان بانک رسانده‌اند.

او در خاتمه تاکید کرد: حالا که هیچ مسئولی حاضر به قبول مسئولیت در خصوص شرایط وخیم ساکنان مجتمع مسکونی «مِهستان» نیست، از رئیس دستگاه قضایی کشور می‌خواهیم تا دست‌کم برای ارزیابی صحت ادعاهای اعضا هم که شده بازرسان نهاد تحت مسئولیت خود را برای بازدید از این سه مجتمع بفرستند تا ضمن مشاهده مشکلات مسکن کارکنان شاغل در صداوسیما در ناحیه ۲۲ تهران، نسبت به برطرف نمودن آنها اقدامات اساسی انجام دهند.

عدم نصب آسانسور درست و اصولی، رعایت نکردن اصولی ساخت و ساز صحیح در برخی از واحدها، عدم آسفالت معابر در برخی خیابان‌ها و کمبود امکانات رفاهی دیگری از قبیل نداشتن روشنایی برخی خیابان در شب و فضای سبز مشکلات مطروحه جمعی از ساکنین مجتمع مهستان است که به آن رسیدگی نمی‌شود.

***رواج پدیده "بام فروشی" در مشهد**

رئیس انجمن انبوه سازان استان خراسان رضوی گفت: مشهد یکی از کلان‌شهرهایی است که درگیر رواج پدیده «بام فروشی» شده و اخیراً به‌دلیل افزایش چشمگیر قیمت مسکن، این پدیده گسترش یافته است.

روز شنبه ۸ آذر، وی به خبرنگار رسانه ای گفت: متأسفانه به‌دلیل وضعیت اقتصادی مردم و افزایش قیمت مسکن و به‌تبع آن رانده شدن مردم به‌سمت حاشیه شهر، چندی است با مسئله پشت‌بام فروشی مواجه هستیم.

او افزود: این اتفاق در ساختمان‌های قولنامه‌ای یا وکالتی فاقد سند، رخ می‌دهد و معمولاً برخی افراد در این اوضاع نابه‌سامان اقتصادی اقدام به فروش پشت‌بام منزل خود می‌کنند.

او با اشاره به اینکه با پدیده «بام‌فروشی» در کلان‌شهرها مواجه هستیم، ادامه داد: این پدیده در تمام مناطق مشهد مشاهده نمی‌شود و تنها در مناطقی که تراکم جمعیت زیاد است و مردم توان خرید کمتری دارند، قابل رؤیت است.

او اضافه کرد: «بلوار دوم طبرسی» و منطقه «سیدی» از جمله مناطقی هستند که به‌دلیل گستردگی و سکونت جمع زیادی از همشهریان این‌گونه است همچنین پشت کارخانه قند آبکوه واقع در خیابان جانباز مرکز خرید و فروش پشت بام است.

***افزایش 40 درصدی کارگران جان باخته بر اثر حوادث کاری در استان آذربایجان شرقی طی 7 ماهه اول سال جاری**

81 نفر در طی 7 ماهه امسال در اثر حوادث ناشی از کار در استان آذربایجان شرقی جان خود را از دست دادند که همگی آنها مرد بوده است. مدیرکل پزشکی قانونی استان با اعلام این خبر گفت: این آمار نسبت به مدت مشابه سال گذشته که 58 نفر بود 23 نفر افزایش یافته است.

به گزارش 5 آذر، روابط عمومی پزشکی قانونی استان، وی اضافه کرد: در طی این مدت تعداد 810 نفر نیز بر اثر مصدومیت ناشی از حوادث کار به ادارات پزشکی قانونی استان مراجعه کردند که از این تعداد 15 نفر زن و بقیه مرد بودند.

مدیرکل پزشکی قانونی استان همچنین گفت: در مهر ماه امسال نیز 10 نفر به علت حادثه کاری فوت کرده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن 7 نفر کاهش یافته است. در طی همین مدت 125 نفر نیز به علت مصدومیت حوادث کاری به ادارات پزشکی قانونی استان مراجعه کردند که 2 نفر از آنها زن بودند. این آمار نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افزایش یک درصدی را نشان می دهد.

گفتنی است تعداد کل فوت شدگان حوادث کاری در سال 98 برابر با 96 نفر بود که یک نفر از آنان زن و بقیه مرد بودند و نیز تعداد کل مصدومین حوادث کار مراجعه کننده در سال 98 برابر با یک هزار و 325 نفر بود که از این تعداد 35 نفر زن و یک هزار و 290 نفر مرد بودند.

***جان باختن کارگر زن 39 ساله یک واحد تولیدی شاهرود حین کار**

کارگر زن 39 ساله یک واحد تولیدی شهرستان شاهرود در استان سمنان حین کار بر اثر حادثه جاننش را از دست داد.

***جان باختن یک کارگر معدن مس تخته گنبد سیرجان حین کار بر اثر تصادف**

جمعه شب (7 آذر)، یک کارگر معدن مس تخته گنبد سیرجان در استان کرمان حین کار زیر کامیونی حین حرکت به عقب گرفتار شد و جان باخت.

***مصدومیت 3 کارگر در حادثه واژگونی سرویس رفت و آمد در مسیر هویزه به جفیر**

صبح روز شنبه 8 آذر، سرویس رفت و آمد کارگران با 14 سرنشین در مسیر هویزه به جفیر در استان خوزستان واژگون و دستکم 3 کارگر مصدوم شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 7 آذرماه 1399

- تازیانه داعشیان بر گرده یک کارگر حق طلب

+ صالح نیکبخت وکیل مدافع دادگستری: شلاق خوردن کارگر درخواست مدعی العموم بود

+ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

اجرای حکم قرون وسطایی شلاق در مورد داود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو را محکوم می کنیم

+ اسماعیل بخشی: این تن شلاق خورده که می بینید، فقط تن داود رفیعی نیست

- تجمع اعتراضی کارگران مجتمع تجاری اروند کنز المال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند

- معلم بازنشسته:

فرار دولت از زیر بار تعهدات قانون مدیریت خدمات کشوری تحت لوای همسان سازی من درآوردی
- کارگر معدن راور به استاندار بگو اگر واقعاً دلسوزی به معادن بیا و ببین ما چه رنجی می‌بریم
- گزارشی درباره اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری و فرار روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران

- تازیانه داعشیان بر گُرده یک کارگر حق طلب

داوود رفیعی، کارگر اخراجی حق طلب پارس خودرو بعد از تحت فشار قرار گرفتن وثیقه‌گذارش توسط دستگاه قضایی، هنگام مراجعه به دادسرای مقدس برای پیگیری مسئله، بدون حکم قطعی و اطلاع قبلی، توسط مأموران اجرای احکام هفتاد و چهار ضربه شلاق خورد.

+ صالح نیکبخت وکیل مدافع دادگستری: شلاق خوردن کارگر درخواست مدعی‌العموم بود

+ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

اجرای حکم قرون وسطایی شلاق در مورد داود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو را محکوم می‌کنیم

+ اسماعیل بخشی: این تن شلاق خورده که می‌بینید، فقط تن داود رفیعی نیست

- تجمع اعتراضی کارگران مجتمع تجاری اروند کنز المال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و حق بیمه و بی‌خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند

- معلم بازنشسته:

فرار دولت از زیر بار تعهدات قانون مدیریت خدمات کشوری تحت لوای همسان سازی من درآوردی

- کارگر معدن راور به استاندار بگو اگر واقعاً دلسوزی به معادن بیا و ببین ما چه رنجی می‌بریم

- گزارشی درباره اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری و فرار روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران

*تازیانه داعشیان بر گُرده یک کارگر حق طلب

داوود رفیعی، کارگر اخراجی حق طلب پارس خودرو بعد از تحت فشار قرار گرفتن وثیقه‌گذارش توسط دستگاه قضایی، هنگام مراجعه به دادسرای مقدس برای پیگیری مسئله، بدون حکم قطعی و اطلاع قبلی، توسط مأموران اجرای احکام هفتاد و چهار ضربه شلاق خورد.







خاطر نشان میشود که پس از این محکومیت، علی ربیعی، طی نامه‌ای بتاريخ 28 فروردین 98 خطاب به رئیس شعبه 39 دادگاه تجدید نظر استان تهران اعلام کرده بود که هیچ ادعایی علیه این کارگر اخراجی ندارد.

بسم الله

ریاست محترم شعبه ۳۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران

با سلام و احترام

درخصوص پرونده کلاسه بایگانی ۹۷۱۰۶۶ مطروحه در آن شعبه محترم اینجانب علی ربیعی،
قرضنده الله وردی به شماره ملی ۰۰۵۰۱۹۱۵۵۱ صادره از تهران به عنوان متضرر از جرم در پرونده فوق الذکر
بدینوسیله گذشت قطعی منجز و غیرقابل عدول خویش نسبت به متهم پرونده را اعلام می نمایم و هیچگونه
ادعایی علیه متهم موصوفه اعم از حقوقی، جزائی و ضرر و زیان در آن مورد نداشته و ندارم و از دادگاه محترم
تقاضای صدور قرار قانونی را با عنایت به (غیرقابل مسخ بودن عدول از گذشت)، دارم.

باتشکر و تجدید احترام

علی ربیعی

۱۳۹۸/۱۱/۲۱
(امضاء)

+ صالح نیکبخت وکیل مدافع دادگستری شلاق خوردن کارگر درخواست مدعی العموم بود

روز جمعه ۷ آذر، صالح نیکبخت با بیان اینکه مدعی العموم پیگیر اجرای حکم شلاق کارگر شده است، افزود: من وکیل داوود رفیعی کارگری که حکم شلاق برای او اجرا شده است، بودم.

او اضافه کرد: وی پرونده‌های متعددی با مدیران یکی از شرکت های خودروسازی داشت. رفیعی یکی از افراد صادقی بود که دقیقاً جرایم وی از مصادیق جرم سیاسی کنونی بوده و نه به عنوان نفع شخص، او مدافع کارگران اخراجی آن شرکت خودروسازی بود.

نیکبخت خاطرنشان کرد: البته در پرونده ای که داود رفیعی به مجازات شلاق محکوم شده بود، من وکالت وی را نداشتم ولی در جریان کل ماجرا هستم.

او ادامه داد: آنها پلاکاردهایی را برافراشته بودند و در آنجا هم نوشته بودند هم مرگ بر آمریکا و هم مرگ بر وزیر کار، ظاهراً گزارشی توسط ماموران انتظامی از این اقدام تهیه شده بود و رفیعی نه به خاطر مرگ بر آمریکا گفتن، بلکه به خاطر مرگ بر رفیعی وزیر کار وقت به عنوان جرم عمومی و به عنوان مجازات توهین مشدد نسبت به مقامات دولتی در حین انجام وظیفه، محکوم شده بود.

+ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

اجرای حکم قرون وسطایی شلاق در مورد داود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو را محکوم می‌کنیم

داود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو در سال ۹۱ به دلیل فعالیت صنفی از کار اخراج شده است و سال‌هاست که با شکایت در مراجع ذیصلاح برای بازگشت بکار پیگیری می‌کند، اما فریادش به جایی نرسیده است. ایشان بارها در مقابل وزارت کار با پلاکارد ایستاده بود اما هیچ مقام مسئولی به خواسته بحقش رسیدگی نکرد و با توصیه نهادهای امنیتی بازداشت و به اتهام توهین به وزیر کار به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد و متأسفانه این حکم قرون وسطایی اجراء و به ایشان شلاق زده شد.

رفیعی از بازداشت شدگان روز کارگر در سال ۹۸ می‌باشد وی همچنین چند بار در اعتراضاتی که نسبت به اخراج از کار داشته، بازداشت شده است.

متأسفانه این اولین باری نیست که پاسخ حق خواهی و مطالبه گری کارگران را با شلاق و زندان و تهدید و اذیت و آزار پاسخ می‌دهند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه احکام قرون وسطی شلاق برای کارگران زحمت کش و حق خواه را شدیداً محکوم می‌کند و اعلام می‌دارد با شلاق و زندان و اخراج و دیگر انواع فشار علیه فعالین کارگری و کارگران آگاه و پیشرو، هرگز نمی‌توانید صدای اعتراضات کارگران را خاموش کنید.

+اسماعیل بخشی: این تن شلاق خورده که می‌بینید، فقط تن داود رفیعی نیست

این تن شلاق خورده‌ی تمام کارگران ایران است.

بله! کارگر با رنج و مشقت تولید می‌کند، زانو سودش را می‌برد، زانو اختلاس می‌کند، کارگر شلاقش را می‌خورد.

طعم شیرین عدالت، شلاق بر تن کارگران است.

برگرفته از اینستاگرام

***تجمع اعتراضی کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق وحق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند**

روز پنج شنبه 6 آذر، جمعی از کارگران مجتمع تجاری اروند کنزالمال برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و حق بیمه و بی خیالی مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند دست به تجمع زدند.

یکی از کارگران این مجتمع تجاری به خبرنگار رسانه ای گفت: حدود 40 کارگر هستیم که در بخش نگهداری، تاسیسات، خدمات و فضای سبز مجتمع تجاری کنزالمال یا به عبارتی اروند مال خرمشهر با سوابق 6 تا 8 سال مشغول کاریم. در حال حاضر سه ماه حقوق های شهریور، مهر و آبان ما پرداخت نشده است. به همین دلیل روز پنج شنبه 6 آذر ما کارگران این مجتمع بزرگ و بین المللی در اعتراض به بی توجهی مسئولان منطقه آزاد تجاری نسبت به پرداخت مطالباتمان دست به تجمع زدیم.

وی با بیان اینکه همه ما تحت مسئولیت یک پیمانکار تامین نیرو و با نظارت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد تجاری اروند مشغول کاریم، افزود: ما بارها به عدم پرداخت مطالباتمان به این شرکت اعتراض کرده ایم اما در پاسخ به ما، می گویند شما نیروی پیمانکاری و ما منابع مالی برای پرداخت حقوق نداریم. مگر می شود مجتمع بزرگ کنزالمال که در یک قطعه زمین 16 تا 17 هکتاری با حدود 300 تا 400 واحد تجاری بزرگ و کوچک دارد، توانایی مالی 40 کارگر را نداشته باشد.

به گفته وی؛ روز گذشته همزمان با اعتراض کارگران برخی غرفه داران و مالکان واحدهای تجاری کنزالمال مدعی شدند که شهریور ماه همه مطالبات مربوط به واحد خود را به شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند پرداخت کرده اند حالا چرا آن ها مطالبات شما کارگران را نمی پردازند، بی خبر و بی اطلاعیم.

این کارگر که در سه ماه گذشته دستمزد و حق بیمه او و سایر همکارانش پرداخت نشده است، در ادامه مشکلات خود و همکارانش گفت: جدا از مزد و بیمه معوقه از شهریور ماه همه 40 کارگر این مجتمع تجاری بدون قرارداد فعالیت کاری دارند.

او افزود: در نتیجه طولانی تر شدن موعد دریافت مطالبات معوقه، هر روز برای امرار معاش خانواده هایمان بیشتر زیر بار قرض می رویم.

این کارگر مجتمع تجاری اروند کنار با بیان اینکه با وضعیت موجود، نگران افزایش مطالباتمان در ماه های آینده هستیم، تصریح کرد: مدیریت شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد اروند هنوز تمهیدات قابل قبولی برای پرداخت مطالبات کارگران انجام نداده و بهانه وی کمبود منابع مالی در این سازمان است.

وی در پایان، گفت: در طول این چند ماه، به جای پرداخت کامل مطالبات، صرفاً بی توجهی دیده ایم. روز گذشته هم بعد از چند ساعت که از تجمع اعتراضی ما گذشت، وعده پرداخت مطالبات را در صورت بازگشت به کار دادند که البته کسی به تحقق این وعده امیدوار نیست.

***کارگر معدن راور به استاندار بگو اگر واقعاً دلسوزی به معادن بیا و ببین ما چه رنجی می بریم**

کارگر معدن ذغال سنگ بود، او هم مانند من تعطیلی جمعه و ترس از ویروس کرونا مانع سر کار زدنش نشده بود؛ وقتی فهمید خبرنگارم و استاندار به کوهبنان می رود گفت "استاندار می بایست به معدن می آمد و می دید که ما کارگران در این معادن چه وضعیتی داریم."

این کارگر معدن هم مثل من از سرویس جا مانده بود و به قول خودش با پراید داغونش مجبور شده بود به معدن برود، او هم مانند من خواب مانده بود و دلیل خواب ماندنش را کار کردن دو شیفت کاری معدن تا روز گذشته عنوان کرد.

اینطور که خودش می‌گفت شب گذشته تا ساعت 10 شب در حال استخراج ذغال سنگ در معدن بوده است!

از چگونگی کار کردن در معدن از او سؤال کردم و در یک جمله پاسخ داد که "رفتن با خودمان است و برگشت اگر خدا بخواهد."

خوابم بیشتر توضیح بدهد که آهی کشید و گفت 250 متر باید زیر زمین برویم، استخراج با پیکور انجام شده، نور داخل تونل با چراغ بالای کلاهمان تأمین می‌شود، از صبح تا ساعت دو یک شیفت است و از دو به بعد تا حدود ده شب شیفت دوم.

گفتم "دو شیفت کار می‌کنی؟" گفت: چکار کنم؟ حقوق‌ها پایین است تازه این ماه فقط 10 شیفت دوم توانستم کار بکنم و می‌دانم آخر برج به مشکل برمی‌خورم.

داختم به همین حرف‌هایش فکر می‌کردم که دلیل خواب ماندن و جاماندن از سرویس را فهمیدم، زمانی برای استراحت نداشته وقتی تا ساعت 10 شب گذشته 250 متر زیر زمین با پیکور کار می‌کرده است.

داختم فکر می‌کردم حتماً شب گذشته تا خانه رسیده بچه‌هایش هم خواب بودند و صبح هم که از خانه بیرون زده آنها خواب بودند که خودش عین همین کلمات را برایم گفت.

از کار با پیکور سؤال کردم و پرسیدم احتمال ریزش چقدر است پاسخ داد: برای همین اول دفعه گفتم "رفتنت با خودت است و برگشت اگر خدا بخواهد" و ادامه داد "پیکور لرزش دارد، پشت سرمان را چوب می‌زنیم تا مانع ریزش شود؛ چشمانش را از جاده به سمت چرخاند و با لحنی که دلم را ریخت گفت "فقط فکرش را بکن اگر معدن پشت سرمان ریزش کند؛ حبس می‌شویم تا بمیریم." آهی کشید و گفت "بارها این اتفاق افتاده و همکارانمان از دست رفتند و هیچ کار نتوانستیم بکنیم."

به دو راهی مسجد ابو الفضل رسیدیم او باید به سمت معدن به راور می‌رفت و من به سمت کوهبنان، با کوله باری از اندوه پیاده شدم و در آن لحظه یاد پدرم افتادم که سال‌ها در همین معادن ذغال سنگ کار می‌کرد و در آخر هم دیسک کمر از کار افتاده‌اش کرد و بماند ...

هنگام پیاده شدن وقتی در ماشین را بستم شیشه را پایین کشید و گفت "به استاندار بگو اگر واقعاً دلسوزی به معادن بیا و ببین ما چه رنجی می‌بریم."

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 7 آذر

***معلم بازنشسته:**

فرار دولت از زیر بار تعهدات قانون مدیریت خدمات کشوری تحت لوای همسان سازی من درآوردی

با سلام همکاران عزیز ، بازنشستگان فرهیخته و همراهان عزیز صنفی

از آغاز شروع برنامه همسان سازی و اجرای شوهای نمایشی در این باب بارها اعلام داشته ایم که همه این بازی ها و برنامه های از پیش طراحی شده تنها و تنها یک هدف را دنبال می نماید و آن هم فرار دولت از زیر بار تعهدات قانون مدیریت خدمات کشوری و فرار از پرداخت خساراتی را که بر بازنشستگان وارد آورده است ، میباشد.

ولی همواره چه از جانب دوستان و همراهان و چه از طرف دیگر همکاران ما را به سکوت دعوت نموده اند، اکنون هم که تا حدودی بر همگان ثابت گردیده که این همسان سازی من درآورده ۹۰٪ حقوق شاغلین، دارای هیچ گونه بار قانونی نبوده و نداشته است و فقط بصورت یک توافقنامه اجرایی گردیده است و مجدداً به این فکر افتاده اند که این همسان سازی خود ساخته را بصورت لایحه ای به تصویب مجلس رسانده تا به آن جنبه قانونی داده باشند این یعنی چه ؟! یعنی اینکه ق م خ ک را خنثی و غیر قابل اجرا نمایند!

چه با اجرای قانون که در سال ۸۶ بصورت آزمایشی برای مدت ۵ سال و بعد از تمدید چند سال سرانجام در اسفند سال ۹۷ دائمی شدن آن به تصویب مجلس رسیده و در هیچ کجای این قانون حرفی یا تبصره ای در خصوص ۹۰٪ حقوق شاغلین نیامده بلکه به صورت آشکار و متقن اعلام داشته که هر آنچه به حقوق شاغلین افزوده شود برای بازنشستگان نیز به همین میزان افزایش یابد. دولت موظف به اجرای قانون میشود.

خوب ما با وجود داشتن چنین قوانینی چه نیازی به تصویب قانون جدید داریم ؟ آیا این حقیقت را در اذهان متبادر نمی سازد که دولت با این برنامه ها و نقشه های از پیش طراحی شده می خواهد قانون مدیریت را اجرا ننماید ؟ چون با اجرای این قانون بار مالی سنگینی را بر دولت تحمیل ساخته و دولت مکلف و موظف است کلیه خسارات و معوقات بازنشستگان در طول ۱۳ سال به خاطر عدم اجرای قانون را پرداخت نماید

با این تفاسیل همکاران بزرگوار ، هوشیار بوده و در دام کاسبان سیاسی کار که در صفوف فعالین صنفی رسوخ پیدا نموده و دلالان دولت هستند تا ما را از حقوق قانونی مغفول مانده مان منحرف ساخته نیتیم بلکه در صفوفی واحد و همراه و همدل نقشه دولت و دولتیان را نقش بر آب نموده و مصرانه خواهان اجرای ق م خ ک و پرداخت خسارات و معوقات ناشی از عدم اجرای این قانون را از بدو تصویب قانون باشیم و مخالفت و انزجار خود را با طرح هرگونه پیشنهاد و قانونی که ما را از اجرای دقیق ق م خ ک دور میسازد اعلام نماییم .

پایدار و سرافراز باشید.

منوچهر اکبری معلم بازنشسته

***گزارشی درباره اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری و فرار روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران**

« روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران در برابر اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری نسبت به تملک مراتعشان فرار را برقرار ترجیح داد

روز چهارشنبه 5 آذر، روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران هنگام بازدید از روستای آق مشهد ساری هنگامی که با اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری نسبت به تملک مراتعشان روبرو شد فرار را برقرار ترجیح داد.»



بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 7 آذر:

انتشار ویدئویی از اعتراض مردم روستای آق مشهد ساری با مدیرکل اوقاف استان بار دیگر پرونده آق مشهد را بر سر زبان ها انداخت. پرونده ای که در آن مبارزه برای حفظ ۵۶۰۰ هکتار از زمین های جنگل تاریخی هیرکانی برای نسل های بعد ادامه دارد. زمین هایی که سازمان اوقاف با حمایت از متولی امامزاده این روستا قصد انحصاری کردن آن را دارد.

اوایل سال جاری بود که ماجرای ادعای متولی یک امامزاده نسبت به موقوفی بودن ۵۶۰۰ هکتار از اراضی جنگل های تاریخی و بکر هیرکانی بازتاب گسترده ای داشت. مردم در کنار فعالان محیط زیستی نسبت به این خبر واکنش نشان داده و با توجه به اینکه جنگل های هیرکانی میراث مشترک تمام ایرانیان است این ادعای متولی مذکور را که تحت حمایت سازمان اوقاف قرار گرفته بود نوعی تجاوز به این میراث تلقی کردند. این ادعا سال ها مورد مناقشه دو سازمان منابع طبیعی و اوقاف بوده اما امسال اخبار مربوط به آن منتشر شد.

اهمیت این ۵۶۰۰ هکتار زمین زمانی مشخص می شود که بدانید این زمین های جنگلی که بکر و طبیعی و دست نخورده است متعلق به دوره سوم زمین شناسی بوده و نه کسی آن ها را کاشته است و نه احیا کرده است و نه اراضی موات است. این زمین ها متعلق به جنگل هیرکانی است یعنی همان جنگلی که سال گذشته مورد ثبت جهانی یونسکو قرار گرفت و از آن با نام فسیل زنده یا موزه طبیعی نیز یاد می شود، زیرا بسیاری از گونه های گیاهی موجود در این جنگل ها امروزه به صورت فسیل در اروپا یافت می شوند.

بر اساس شواهد علمی سابقه تاریخی این زمین‌ها به عصر دایناسورها بازمی‌گردد. همزمان با عصر یخبندان به غیر از جنگل‌های هیرکانی که به دلیل قرار گرفتن بین رشته کوه البرز و دریای خزر از اقلیم معتدل‌تری برخوردار بودند، تمامی جنگل‌های پهن برگ به جز تعداد معدودی نابود شدند؛ از همین روست که جنگل‌های هیرکانی را مادر جنگل‌های جوان اروپا و شمال آمریکا می‌دانند.

در حالی که تمام اراضی متعلق به این زمین‌ها و زیست بوم آن مورد حمایت قرار گرفته و از هر نوع تعرض و خصوصی‌سازی برای انتقال سلامت آن به نسل‌های آینده، مصون نگاه داشته شوند، اما سازمان اوقاف سعی می‌کند با ادعای عجیب متولی یک امامزاده این میراث تاریخی کشور را تحت اختیار خود درآورد.

اما مساله دیگر آن است که ۴۰۰ هکتار از این زمین‌ها متعلق به روستای آق‌مشهد، واقع در قسمت جنوبی شهرسازی است که در جوار این جنگل‌ها قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت زمین‌ها و خانه‌های مردم این روستا نیز به نوعی در خطر وقفی بودن قرار داشته و برای مردم روستا نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرده است. ترس از دست دادن زمین و مسکن و تحت تسلط یک سازمان خاص قرار گرفتن در دورانی که سیستم ارباب و رعیتی مدت‌هاست برچیده شده چالشی است که نباید از نظر دستگاه قضایی دور بماند.

یک فعال محیط زیست و منابع طبیعی در استان مازندران به خبرنگار رسانه ای گفت: شخصی به نام ح. خ خود را به عنوان متولی امامزاده‌ای به نام امامزاده حارث واقع در روستای آق‌مشهد معرفی کرده است. سال‌ها پیش این فرد از اهالی امضا گرفته است که می‌خواهد متولی امامزاده باشد و مردم هم امضا کرده‌اند و این اجازه را به او داده‌اند. این فرد وقفنامه‌ای را ارائه داده است که بر اساس آن حریم امامزاده توسط فردی به نام عبدالله‌خان ساروی حدود ۸۶۰ سال پیش وقف شده است. این درحالی است که کل مساحت امامزاده حداکثر هزار متر مربع است.

وی ادامه می‌دهد: حریم که نمی‌تواند بیش از مساحت اصلی باشد بلکه نیمی از مساحت اصلی و کمتر از آن است این درحالی است که «خ» حریم را تا ۵۶۰۰ هکتار گسترش داده و مدعی است که این زمین‌ها وقفی است.

این فعال محیط زیست با اشاره به اینکه در سال‌های ۸۲، ۸۳ اداره اوقاف از اداره ثبت استعلام کرد که حوزه آق‌مشهد کجاست، توضیح می‌دهد: در اطراف پلاک ثبتی آق‌مشهد، ۵۶۰۰ هکتار زمین جنگلی وجود دارد که منابع طبیعی این زمین‌ها را به عنوان حوزه آق‌مشهد یا همان پلاک ثبتی آق‌مشهد معرفی کرده است. اداره اوقاف هم این دو موضوع را به هم ربط داده و مدعی است که، چون امامزاده حارث در روستای آق‌مشهد بوده و پلاک ثبتی آق‌مشهد شامل ۵۶۰۰ هکتار از زمین این جنگل‌ها می‌شود بنابراین حریم این امامزاده همین ۵۶۰۰ هکتار است. این در حالی است که هر جا که جزو پلاک ثبتی این روستا باشد دلیل نمی‌شود که حریم امامزاده حارث هم باشد؛ که حریم هم قوانین خاص خود را دارد.

وی با بیان اینکه در سال ۸۲ رای‌ی از سوی دادگاه ساری به نفع اداره منابع طبیعی استان صادر و در دادگاه تجدید نظر استان هم تایید می‌شود، خاطرنشان می‌کند: این رای در سال ۸۳ در شعبه ۴ دیوان عالی کشور نیز به نفع سازمان منابع طبیعی تایید می‌شود.

وی افزود: در سال ۹۰ متولی موقوفه و اداره اوقاف به شعبه دیگری دادخواست داده و اشاره نمی‌کنند که در سال ۸۳ رای‌ی به ضرر آن‌ها صادر شده است و اداره منابع طبیعی هم اعلام نمی‌کند که ۱۰ سال

پیش رایی به نفع او صادر شده است که این سکوت منابع طبیعی واقعا نوعی تبانی به نظر می‌رسد. در این سال نیز دادگاه بدوی رای به نفع منابع طبیعی داده و در دادگاه تجدید نظر نیز این رای تایید می‌شود، اما در دیوان عالی کشور رای نقض شده و به دادگاه ساری می‌رود و به نفع اوقاف رای صادر می‌شود، منابع طبیعی فرجام‌خواهی می‌کند که دیوان فرجام‌خواهی را رد می‌کند. این همان رایی است که به استناد آن ادعای موقوفه بودن زمین‌ها را دارند.

وی تصریح می‌کند: مردم این روستا مدعی هستند که همان قرون پیش که همه‌جا سیستم ارباب رعیتی بوده است آق‌مشهد ارباب نداشته است که بتواند زمین‌ها را وقف کند و این مناطق دامسرای جنگلی بوده است. در واقع روستایی به آن مفهوم نبوده است. اداره اوقاف و «خ» قصد دارند از زمین‌های جنگلی بهره‌برداری کرد و چوب‌شان را بفروشند. یعنی در نهایت هدفشان تصاحب این جنگل‌هاست که اگر وقف باشد می‌توانند آن را تصاحب کنند.

این فعال محیط زیست با اشاره به اینکه در ۱۴۰ هزار هکتار از عرصه‌های جنگلی و مرتعی استان مازندران و تنها در حوزه اداره کل ساری پرونده‌هایی مانند پرونده‌های آق‌مشهد وجود دارد، اظهار می‌کند: تا جایی که اطلاع دارم حدود ۲۳ پرونده تاکنون موفق شده‌اند و عرصه‌هایی مانند شیخ‌موسی اراضی ۲۰۰ هکتاری را اوقاف گرفت و تفکیک کرد و فروخت و در حال حاضر در این زمین‌ها ویلاسازی انجام شده است. در واقع دور نمای این پرونده‌ها مشخص است، اهدافی غارتگرانه در حوزه منابع طبیعی که متأسفانه اداره اوقاف به استناد برخی مسائل شرعی به آن‌ها دامن می‌زند در حالیکه مغایر با منافع مالی ماست.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 6 آذرماه 1399

- کارگران مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با اعتراض نسبت به نداشتن امنیت جانی، معیشتی و شغلی خواهان ایجاد تشکل برای دفاع از حقوقشان شدند
- ادامه اعتراضات هزاران کارگر نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن نسبت به واگذاری شرکت تراورس و نداشتن امنیت شغلی و معیشتی
- اعتصاب 2 روزه رانندگان آژانس‌های تاکسیرانی شهر زرن در اعتراض به نرخ غیر کارشناسی کرایه

***کارگران مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با اعتراض نسبت به نداشتن امنیت جانی، معیشتی و شغلی خواهان ایجاد تشکل برای دفاع از حقوقشان شدند**

کارگران مناطق آزاد و ویژه اقتصادی نسبت به نداشتن امنیت جانی، معیشتی و شغلی معترضند و خواهان ایجاد تشکل برای دفاع از حقوقشان هستند.

یکی از کارگران شاغل در منطقه آزاد ماهشهر و بندر امام درخصوص وضعیت کارگران این مناطق در دوره کرونا گفت: «بدون توجه به کرونا، هم اکنون اکثر شرکت‌ها با کل ظرفیت مشغول به کار هستند. در شرکت ما فقط دو ساعت از میزان کار روزانه را کاهش دادند؛ یعنی از 9 ساعت کار روزانه، دوساعت کم کردند ولی در ازای آن ناهار را از برنامه روزانه حذف شد. در واقع به ازای کاهش دو ساعت کار روزانه، وعده غذایی ناهار را از ما گرفتند. وضعیت در خصوص اقلام و موارد بهداشتی نیز مناسب نیست. یک بسته ماسک 50 تایی به ما می‌دهند تا در 2 الی 5 ماه کار از آن استفاده کنیم. یعنی حتی به ازای هر روز کار یک ماسک هم به ما نمی‌دهند. دستکش و مواد ضدعفونی کننده هم بسیار محدود است. پروتکل‌های بهداشتی نیز چندان رعایت نمی‌شود. محیط کاری نیز برای دوره کرونا ضدعفونی نمی‌شود. این در حالی است که بسیاری از شرکت‌های منطقه ماهشهر و بندر امام، خودشان تامین کننده الکل، مواد شوینده و ضدعفونی هستند اما این مواد را از کارگران دریغ می‌کنند.»

مناطق آزاد در ظاهر اسم زیبایی دارند اما واقعیت این است که بسیاری از تعرفه‌ها یا مقررات تجاری و گمرکی در این مناطق برای شرکت‌های مختلف رعایت نمی‌شود. استدلال اصلی هم رونق تجارت و کسب و کار است که در پشت پرده آن، نقض گسترده حقوق کارگران در حال وقوع است؛ به طوری که تقریباً می‌توان گفت کارگران مناطق آزاد، صدای چنانی در بین کارگران کشور ندارند.

کاظم فرج الهی (فعال مستقل کارگری و کارشناس کار) درباره وضعیت کارگران شاغل در مناطق آزاد اقتصادی گفت: «وضعیت کارگران در مناطق آزاد بخشی از تهاجم فکر شده و با برنامه به کارگران کشور است. ما در این مناطق شاهد تهاجم به حقوق کارگران و اعمال تبعیض بین کارگران این مناطق و مناطق دیگر کشور هستیم. این کارگران از شمول قانون کار محرومند و مشمول مقررات اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد هستند. مثلاً کارگران در کل کشور 26 روز مرخصی در سال بعلاوه روزهای پنج شنبه و جمعه دارند اما کارگران این مناطق فقط 20 روز مرخصی در سال دارند که پنج شنبه و جمعه نیز در آن محسوب می‌شود. کارگران مناطق آزاد از ایمنی و بهداشت اولیه فردی و محیطی محرومند. این کارگران بعضاً حتی کارگر موقت هم نیستند. محل سکونت نامناسب، مواد غذایی اندک، دوری از خانواده و دیگر تضییقات، وضعیت این کارگران را به اردوگاه جنگی شبیه کرده است.»

با این اوصاف، باتوجه به ناامنی شغلی، ضعف معیشتی و ضرب‌آهنگ شدید کار در کنار محیط و آب و هوای نامساعد، کارگران این مناطق در معرض یک فاجعه انسانی و شغلی قرار دارند، این در حالی است که اکثر شرکت‌های این مناطق از معافیت مالیاتی و گمرکی برخوردارند. البته همزمان خبری از ادارات کار یعنی هیات‌های تشخیص و هیات‌های حل اختلاف برای پیگیری مطالبات کارگران و اختلافات آنها با کارفرمایان هم نیست. طبق قانون، چون این مناطق از شمول قانون کار محرومند، باید ذیل مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار که به کارگران حق ایجاد تشکل می‌دهد، عمل کنند اما کارگران حتی از این حق نیز محرومند.

یکی دیگر از کارگران شاغل در مناطق آزاد جنوب کشور درباره وضعیت شغلی کارگران مناطق آزاد گفت: «همه چیز در مناطق آزاد در ید اختیار و اراده مطلق کارفرما یا پیمانکار است. کارگران نه تشکلی دارند و نه سندیکایی تا بتوانند حقوق اولیه خود را پیگیری کنند. کارفرمایان هر وقت دلشان

بخواهد، کارگر را اخراج می‌کنند و هروقت دلشان بخواهد آن‌ها را برمی‌گردانند. کارگران حتی در برخی موارد از ترس اخراج یا عدم پرداخت دستمزد، مجبور می‌شوند امورات شخصی مدیران و کارفرمایان را انجام دهند؛ مثلاً ماشین آن‌ها را بشورند. در واقع در این مناطق شکلی از برده‌داری در حق کارگران در حال اجراست. اکثر مدیران این مناطق پروازی و مرکز نشین هستند و در دوره کرونا حتی سه ماه یکبار نیز در این مناطق حضور ندارند. اگر هم یک روز می‌آیند، صبح روز بعد به تهران برمی‌گردند تا چند ماه بعد.»

با گذشت چنددهه از تشکیل مناطق آزاد می‌توان گفت که مهمترین خصیصه این مناطق، از بدو پیدایش مستثنا شدن کارگران آن‌ها از شمول قانون کار است؛ طبق برآوردها این مناطق نقش چندانی در توسعه کشور نیز نداشته‌اند بلکه در بیشتر موارد حتی تکیه گاه فرار مالیاتی نیز بوده‌اند. مهمتر از اینها، مناطق آزاد کانون اصلی نوع دیگری از کرونا هستند: کرونای نقض حقوق کارگران در کشور.

کاظم فرج‌اللهی در خصوص راه اعاده‌ی حقوق کارگران شاغل در مناطق آزاد و خروج از وضعیت وخیم فعلی گفت: «تهاجم سازمان یافته به نیروهای کار در این مناطق، مقاومت سازمان یافته می‌خواهد. با مذاکره، لابی و مصاحبه این مسائل حل نمی‌شود. ما امروز شاهد هستیم که به حقوق این کارگران که شاید محرومترین کارگران کشور هستند، حتی در دوره کرونا توجه نمی‌شود. در وضعیت امروز جای نهادهای مردمی و تشکلهای کارگری برای اعاده حقوق کارگران مناطق آزاد خالی است و این مهمترین نقطه ضعف این مناطق است.»

کارگر دیگری در یکی از مناطق آزاد گفت: «اکثر کارگران این مناطق خواستار الغای مناطق آزاد، نه تنها در این منطقه بلکه در کل کشور هستند. ما در اینجا تشکل نداریم و می‌دانیم تا زمانی که مناطق آزاد برقرار است، مشکل ما به شکل ریشه‌ای حل نمی‌شود. مشکل، خود مناطق آزاد است که حق برخورداری از تشکل کارگری و حقوق‌مان را از ما گرفته است.»

رامحل چه ایجاد تشکلهای کارگری باشد، چه الغای مناطق آزاد، یک چیز همچنان ثابت است: به هیچ کدام از این دو مطالبه، هنوز توجه چندانی صورت نگرفته است و وضعیت کارگران این مناطق روز به روز در شرایط کرونایی وخیمتر می‌شود بطوریکه برخی کارگران حتی دیگر قرارداد موقت هم ندارند بلکه به صورت روزمزد در برخی شرکت‌ها به کار گرفته می‌شوند و هرچه زودتر باید به وضعیت کارگران این مناطق رسیدگی شود.

قابل یادآوری است که با گذشت قریب به سه دهه از تشکیل مناطق آزاد و ویژه در کشور، اکنون تعداد این مناطق در کل کشور سه رقیمی شده است. یک سال پیش نیز مجلس شورای اسلامی بیش از 111 منطقه آزاد و ویژه جدید اقتصادی را به فهرست قبلی افزود؛ این در حالی است که مساحت مناطق آزاد در ایران 12 برابر میانگین جهانی است و طبق برآوردها به هیچ یک از اهداف اقتصادی خود نرسیده‌اند.

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 6 آذر 99

***ادامه اعتراضات هزاران کارگر نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن نسبت به واگذاری شرکت تراورس و نداشتن امنیت شغلی و معیشتی**

اعتراضات هزاران کارگر نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن نسبت به واگذاری شرکت تراورس و نداشتن امنیت شغلی و معیشتی ادامه دارد.

کارگران تراورس می‌گویند: گناه ما کارگران چیست که باید چوب تصمیمات اشتباه را بخوریم؛ چرا تصمیم گرفته‌اند واگذاری به دولت را ملغی کنند؛ چرا با سرنوشت هفت هزار کارگر فرودست بازی می‌کنند؟!

کارگران ایران از حق مداخله و مشارکت در تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت خود محروم هستند؛ بالادستی‌ها در پشت پرده برای سرنوشت کارگران تصمیم می‌گیرند و آنها را هر زمان که بخواهند از «چاله» به «چاه» سقوط می‌دهند یا از چاهی به چاهی دیگر می‌اندازند!

سرنوشت کارگران هپکو، ماشین‌سازی‌های بزرگ، مجتمع نیشکر هفت تپه و صدها واحد بزرگ صنعتی و کشاورزی، جز این نبوده است و حالا هفت هزار کارگر تراورس یا همان کارگران «نگهداری خطوط ابنیه فنی» در سراسر کشور، به همین سرنوشت دچار شده‌اند؛ بازگشت از گروه نه چندان خوشنام «امیرمنصور آریا» به دولت و راه‌آهن و باز دوباره عودت مجدد کارگران به همان گروه؛ گروهی که موسس آن به جرم اختلاس سه هزار میلیارد تومانی اعدام شده است!

سرنوشت بغرنج این هفت هزار کارگر که در استانهای مختلف، از دامنه‌های برفگیر سبلان گرفته تا بیابان‌های پر از شن ریزه و گرد و غبار زاهدان به کار سنگین نگهداری خطوط فنی و ابنیه راه آهن اشتغال دارند، در گروی تصمیمانی قرار گرفته است که مشخص نیست چرا و چگونه اخذ می‌شوند؛ چرا این کارگران را به دولت بازگرداندند و مسبب امیدواری آنها به آینده نامطمئن شدند و چرا درعین ناباوری، آنها را مجدد به بخش خصوصی ناکارآمد تقویض کردند؟!

شرکت فنی و ابنیه خطوط ریلی تراورس اردیبهشت امسال با تأیید سازمان خصوصی‌سازی به شرکت رجا واگذار شد، پیش از آن، کارگران ماه‌ها بود که به دلیل بسته شدن حساب‌های اصلی گروه امیرمنصور آریا و مناقشات به وجود آمده بر سر تخلفات اقتصادی، حقوق ناچیز خود را با تاخیر بسیار دریافت می‌کردند و برای دریافت مزایای مزدی خود ماه‌ها انتظار می‌کشیدند؛ اما این واگذاری که می‌توانست در نوع خود بارقه‌امیدی برای کارگران خسته از ناملازمات معیشتی باشد، پایان راه نبود؛ در آبان ماه، پس از 6 ماه، در سکوت خبری هیات داوران خصوصی‌سازی رأی به بازگشت این شرکت به گروه امیرمنصور آریا را صادر کرده است!

در اردیبهشت سال جاری، سازمان خصوصی‌سازی طی نامه‌ای خطاب به مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران موافقت خود را با بازگشت تراورس به راه آهن اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «با عنایت به اینکه قرارداد واگذاری 95 درصد از سهام شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه‌آهن (تراورس) به شرکت آهن و فولاد لوشان توسط این سازمان فسخ شده است، لذا مقتضی است دستور فرمایند با توجه به اعلام فسخ یاد شده نسبت به تحویل و اداره شرکت تراورس مطابق قوانین و مقررات مربوطه اقدام لازم فراهم شود.»

کارگران بعد از شنیدن این تصمیم، ابراز خوشحالی کردند؛ آنها کمی، فقط کمی به آینده امیدوار شدند؛ اما این امیدواری دیری نپایید!

یکی از کارگران تراورس در ارتباط با این امیدواری اندک و زودگذر می‌گوید: تا آمدیم خوشحالی کنیم؛ باز اسباب نگرانی ما را فراهم کردند؛ در واقع هنوز مقدمات این جابجایی فراهم نشده بود و ما کارگران نتوانسته بودیم طعم امنیت شغلی و زیر مجموعه دولت بودن را بچشیم که ناگاه از تصمیم خود برگشتند و باز ما را به گروه امیرمنصور آریا پاس دادند! غافل از اینکه نزدیک به ده سال است ما در این گروه، در دسرهای بسیار تحمل می‌کنیم.

در دسرهای کارگران تراورس در دهه 80 خورشیدی آغاز شد؛ تراورس در سال 89 و در راستای اجرای اصل 44 قانون اساسی به گروه امیرمنصور آریا واگذار شد. در آن زمان شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا که قبلاً شرکت آهن و فولاد لوشان را خریده بود، به عنوان مالک این برند، وارد مزایده شرکت تراورس شد و 95 درصد سهام این شرکت را خرید. به گفته کارشناسان، واگذاری تراورس، یکی از ده‌ها واگذاری پرشائبه سازمان خصوصی‌سازی در سال‌های اول اجرای اصل 44 قانون اساسی بود.

کارگران در طول سالها با مشکلات بسیار از جمله تعدیل‌های نابهنگام، وخامت شرایط شغلی، کاسته شدن از سطح امنیت شغلی و مزایای مزدی و از همه مهمتر، تاخیر در پرداخت دستمزدها دست و پنجه نرم کردند؛ آخرین دور از اعتراضات کارگری قبل از فسخ واگذاری در اردیبهشت ماه، در دی ماه سال گذشته آغاز شد؛ در آن زمان، کارگران به خاطر بلوکه شدن حساب‌های اصلی شرکت، حدود 5 ماه معوقات مزدی پرداخت نشده داشتند. در آن روزها، کارگران بارها خواستار تغییر اوضاع شدند و اعلام کردند علیرغم کار سخت و جانکاه و در شرایط دشوار در بیابان‌های ایران، حقوق ناچیز خود را بسیار دیر دریافت می‌کنند و امنیت شغلی ندارند.

دستور مستقیم رئیس قوه قضاییه برای رسیدگی به وضعیت و واگذاری این شرکت به گروه امیرمنصور آریا، اواخر همان دی ماه سرد صادر شد. این دستور تأکید داشت بایستی به مشکلات این کارخانه در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی و مقدمات بازگشت کارخانه به دولت فراهم شود. در نهایت، پیگیری‌ها به ثمر نشست و در اردیبهشت خبر بازگشت تراورس به رجا به اطلاع مردم رسید.

اما خیلی زود، در عرض شش ماه ورق برگشت؛ در آبان ماه، در کانال تلگرامی شرکت تراورس اعلام شد که به تازگی و با رأی هیأت داورى سازمان خصوصی‌سازی، این شرکت به گروه امیرمنصور آریا بازگشته است! مدیرعامل شرکت تراورس نیز در 19 آبان در جلسه‌ای با اعضای شورای اسلامی کار این شرکت، خبر بازگشت تراورس به گروه امیرمنصور آریا را اعلام کرد. مصطفی معینی (مدیرعامل تراورس) در این جلسه گفت که شرکت در این دعوی بی‌طرف است و نقشی در تصمیم‌گیری‌ها نداشته است. او از کارگران هم خواست که اعتراض خود را از مبادی قانونی مطرح کنند!

با این حساب، به نظر می‌رسد «شادی» موقت بوده است و دوباره «سرگردانی» سراغ هفت هزار کارگر تراورس آمده است؛ اکنون چند سوال اساسی مطرح است؛ هدف از این رفت و برگشت تراورس میان بخش خصوصی و دولت چیست؛ اگر گروه امیرمنصور آریا در نگهداری و سرپا نگهداشتن تراورس ناموفق بوده (که گزارش‌های رسمی هم این واقعیت را تایید می‌کنند) چرا بعد از شش ماه و قبل از اینکه جابجایی و نقل و انتقال به دولت عملی شود، شرکت را به همان گروه بازگردانده‌اند؟ استدلال هیأت داورى سازمان خصوصی برای بازگرداندن شرکت تراورس به گروه امیرمنصور آریا چیست؟ بر چه مبنایی و با استناد به کدام «واقعیت مسلم» دوباره شرکتی با هفت هزار کارگر را به گروهی باز

گردانده‌اند که مدیرعامل آن به جرم اختلاس اعدام شده است؟ گروهی که ماه‌ها در پرداخت حقوق حداقلی کارگران تاخیر می‌کرد و حتی عیدی‌ها را بعد از عید می‌پردازد! آیا نگرانی‌های کارگران برای هیات دאوری سازمان خصوصی‌سازی اهمیتی ندارد؟! کارگران با واگذاری مجدد مخالف هستند؛ آنها می‌پرسند «چرا؟» کارگران ترورس پرسشگر شرایط نامطلوب فعلی هستند اما هنوز پاسخی دریافت نکرده‌اند.

کارگران چه می‌گویند؟

پای صحبت‌ها و دغدغه‌های این کارگران نشستیم؛ کارگرانی که خیلی زود امیدشان به یاس بدل شده است؛ یکی از کارگران ترورس در ارتباط با این واگذاری مجدد و غیرمنتظره می‌گوید: کارگران با این تصمیم هیات دאوری سازمان خصوصی‌سازی مخالف هستند. متأسفانه در طول ده سال گذشته که با پیمانکار ترورس همکاری داشته‌ایم، این شرکت به تعهدات خود در قبال کارگران عمل نکرده و در نتیجه کارگران با مشکلات زیادی روبرو بوده‌اند. طی سنوات گذشته تمام تلاش خود را برای خروج پیمانکار از شرکت راه‌آهن به کار گرفته‌ایم تا امنیت شغلی و معیشت‌مان تامین شود اما به یکباره امید کارگران از دست رفت. در رسیدگی به این موضوع مهم در روزهای گذشته شاهد مراجعه‌ی تعدادی از کارگران برخی نواحی مختلف ریلی در مقابل ساختمان نهاد قضایی شهرهای مختلف بوده‌ایم و هنوز هم این پیگیری‌ها ادامه دارد.

یکی دیگر از این کارگران دل‌نگران می‌گوید: شرکت پیمانکاری ترورس هر ماه حقوق کارگران را با تاخیر چند ماهه و به‌صورت ناقص پرداخت می‌کند. ما در زمینه پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی، بیمه تکمیلی و نیز دریافت برخی مزایای قانونی و عرفی دیگر نیز دچار مشکل هستیم. امیدوار هستیم همچنان با حمایت مسئولان به ویژه قوه قضائیه، مشکلات حدود 7 هزار کارگر ابنیه فنی ترورس در ارتباط با حذف پیمانکار بخش خصوصی برطرف شود و بازگشت به دولت قطعیت یابد. گناه ما کارگران چیست که باید چوب تصمیمات اشتباه را بخوریم؛ چرا تصمیم گرفته‌اند واگذاری به دولت را ملغی کنند؟!

این «چراها» همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ کارگران ترورس به شدت نگرانند و از مسئولان می‌خواهند نگذارند یک فاجعه، دوبار تکرار شود؛ آن‌ها می‌گویند نمی‌خواهیم از «چاه» به «چاه» بیفتیم و باز هم نگران باشیم که آیا قراردادمان به موقع تمدید می‌شود یا نه؛ نگران باشیم که آیا در روزهای پایان سال که خانواده‌هایمان چشم انتظار هستند، عیدی می‌گیریم؟!

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 6 آذر 99

***اعتصاب 2 روزه رانندگان آژانس‌های تاکسیرانی شهر زرنده در اعتراض به نرخ غیر کارشناسی کرایه**

روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه (4 و 5 آذر)، رانندگان آژانس‌های تاکسیرانی شهر زرنده در اعتراض به نرخ غیر کارشناسی کرایه اعتصاب و از سرویس دهی خودداری کردند.

روز پنج‌شنبه 6 آذر، رانندگان معترض به خبرنگار یک رسانه محلی گفتند: با توجه به افزایش قیمت‌ها در بخش‌های مختلف زندگی و افزایش هزینه‌های استهلاک خودرو، نرخ کرایه تاکسی در زرنده کارشناسی نمی‌باشد و لازم است این نرخ با در نظر گرفتن تورم و با بررسی‌های دقیق و بر اساس کیلومتر و مسافت طی شده محاسبه شود.

در همین رابطه فرماندار زرند با اشاره به سرویس‌دهی مجدد رانندگان از روز پنج شنبه 6 آذر، افزود: قرار شده تا 10 روز آینده موضوع را بررسی کنیم تا مشکل حل شود.

وی مسئول تعیین نرخ تاکسی‌ها را شورای اسلامی شهر اعلام کرد و اضافه کرد: بعد از اعلام نرخ جدید توسط شورای شهر، ما این قیمت را در کمیته انطباق بررسی خواهیم کرد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 5 آذرماه 1399

- بیانیه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان به مناسبت 25 نوامبر؛ روز جهانی مبارزه برای رفع خشونت علیه زنان

- تجمع اعتراضی جمعی از کارگران تخلیه و بارگیری بندر امام نسبت به سطح نازل حقوق از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت نشدن کامل مطالبات و شرایط سخت کاری و رعایت نشدن پروتکل های بهداشتی

- تجمعات اعتراضی کارگران سد معبر شهرداری فردیس نسبت به تبدیل وضعیت به پیمانی و برای حذف شرکت پیمانکاری مقابل ساختمان شهرداری و دفتر پیمانکار

- ادامه بلا تکلیفی معیشتی مهمانداران اخراجی شرکت فنی بینا صنعت زیر سایه سکوت مسئولان راه آهن

- روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران در برابر اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری نسبت به تملک مراتعشان فرار را برقرار ترجیح داد

- تجمع اعتراضی جمعی از وکلای دادگستری خوزستان نسبت به کسب و کار تلقی شدن وکالت مقابل ساختمان کانون وکلا

- تجمع اعتراضی دانشجویان علوم پزشکی همدان نسبت به اختصاص زمان محدود در امتحانات

- گزارش در دناک درباره وضعیت زعفران کاران خراسان شمالی

***بیانیه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان به مناسبت 25 نوامبر؛ روز جهانی مبارزه برای رفع خشونت علیه زنان**

روزی در جهان نیست که زنان مورد خشونت واقع نشده باشند و از طرف دیگر؛ روزی در جهان نیست که در برابر خشونت و تعرض به زنان، مقاومت، تلاش و مبارزه برای رهایی از این ستم و بی حقوقی صورت نگرفته باشد.

این سیمای جهانی است که در آن نیمی از جمعیت، تنها بدلیل "زن بودن" هر روزه مورد آزار و خشونت واقع شده و آمار این بی حقوقی ها و تعرضات روز بروز بیشتر و فجیع تر می شود. در این میان اما تلاش روزمره بخش قابل توجهی از زنان و مردان آگاه، سویی ی امید بخش برای رهایی از این شرایط

و منجلا بی است که جهان طبقاتی نام دارد را پدیدار می کنند. یکی از این تلاش ها، نام گذاری 25 نوامبر با عنوان روز جهانی مبارزه برای رفع خشونت علیه زنان است که قابل گرامی داشت و درخور حمایت است.

نام گذاری این روز* توسط فعالان حقوق زنان آمریکای لاتین در ماه جون سال 1981 انجام گرفت و هدف آنان افشای جنبه های مختلف خشونت و تعرض به زنان در برابر دیدگان جهانیان، بیان آمار از عمق و گستره ی این فجایع و فراخوان به مبارزه و مقاومت در مقابل خشونت و بی حقوقی های افسار گسیخته ی رسمی و غیر رسمی است.

خشونت علیه زنان موضوع تازه ای نیست، اما اشکال و جنبه هایش هر روز تازه تر می شود. این پدیده به واسطه ی خشونت سازمان یافته و سیستماتیک که از سوی سیستم حاکم هر روزه در قالب های رنگارنگ و فریبکارانه تبلیغ و ترویج می شود و از بستر تحمیل "فرودهستی" و "جنس پذیری" ممکن و به جامعه اعمال می گردد. چنان که به نظر، خشونت به جزئی "تفکیک ناپذیر" از روابط انسانی بدل گشته است. برای حفظ و تسری این مفهوم و تبدیل آن به رابطه ی حاکم، سیستم موجود؛ تمام ابزار و امکانات خویش، اعم از رسانه، ایدئولوژی، بازار و غیره را به خدمت می گیرد تا این نابرابری و تبعیض را در مناسبات و روابط اجتماعی منتشر و پایا گرداند؛ و از این ره گذر مفهوم مذموم "جنس فرودهست" را به زنان تحمیل و آنان را به کالایی برای مصرف نیرو و تن شان تبدیل سازد.

واضح است که خشونت علیه زنان، موضوعی مختص زنان نیست چرا که این خشونت علیه تمام بشریت صورت می گیرد، از آنرو که اثرات و آسیب های آن به درجات مختلف، ولی با ماهییتی یکسان بر تمامی اجزاء و افراد جامعه اثر خواهد داشت.

اما مهم تر آن که، ریشه ی این ستم و همه ی بی حقوقی های موجود؛ بر بستر مناسباتی حرکت می کند که برای "انسان" تعریف دگرگونه ای دارد و سیستم حاکم، تمام ساز و کار و ابتکارش را به خدمت حفظ و بازتولید مناسباتی می گیرد که، انسان را به درجات و طبقات با نشانه ها و لیبل های مختلف (جنس، رنگ، نژاد، قوم، مذهب و غیره) دسته بندی کرده و به "اجزاء قابل مصرف" برای تولید ارزش تقلیل داده است علت چنین دسته بندی هایی این است که پروسه بهره کشی و استثمار از آنان میسر و سهل گردد.

"زن بودن" و زن خوانده شدن اتفاقی نیست؛ بلکه بر بستر تجزیه ی انسان برای مصرف و ثمر دهی بهینه، سازمان داده شده است. این همان حقیقتی است که زندگی تمامی انسان ها را با هر جنس و ویژگی تحت الشعاع قرار داده است.

25 نوامبر و فراخوان آن برای ما فعالان لغو کار کودک از آن رو حائز اهمیت است که؛ دعوت به مبارزه علیه بی حقوقی و ستمی دارد که ریشه مشترک با تمامی مصائب موجود جهان امروز است. در نتیجه از آنجا که خشونت علیه زنان ریشه در مناسبات تبعیض آمیز دارد، لذا مبارزه پیگیر و بی وقفه با کلیه اشکالی که موجد این بی حقوقی است می بایست در دستور کار تمامی فعالان اجتماعی قرار گیرد. از سوی دیگر رهنمودی است به این حقیقت که؛ تنها با پیوند جنبش ها و نمایندگان مطالبات اجتماعی قادر به مبارزه بر علیه خشونت، ستم و بی حقوقی های حاصل از مناسبات غیر انسانی کنونی هستیم.

از سوی دیگر نیمی از جمعیت 1.2 میلیاردی کودکان در جهان، دخترانی هستند که بواسطه مناسبات و سنت ها در معرض خشونت و سوء استفاده اند. رایج ترین این خشونت ها ازدواج در سن کودکی، ختنه

و سوء استفاده جنسی است که برای ریشه کنی آنان، نه تنها ابزار و امکانات حقوقی و قانونی که همت و تلاش هر روزه تمامی آحاد جامعه را می طلبد.

عمده خشونت ها و تعرضات به زنان از زاویه حقوق نا برابر عارض می شود. تاکید و پافشاری بر تضمین و تامین حقوق انسانی برابردر همه عرصه های جامعه، موضوعی است که هم اکنون قابل دستیابی است از این رو مبارزه اجتماعی بر پایه ی این مطالبه می بایست در راس فعالیت پیشروان جنبش های اجتماعی قرار گیرد.

تلاش و مبارزات زنان و فعالان برابری و مخالفان تبعیض علیه زنان پیشرفتهایی را در پیشبرد مطالبات و دستیابی حقوق خویش داشته اند که کنوانسیون ها و اعلامیه های بین المللی بخشی از آن است. از اینرو تاکید در به اجرا گذاری آنان از حداقل اموری است که می بایست در دستور کار پیشروان عرصه زنان قرار گیرد.

***تجمع اعتراضی جمعی از کارگران تخلیه و بارگیری بندر امام نسبت به سطح نازل حقوق از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت نشدن کامل مطالبات و شرایط سخت کاری و رعایت نشدن پروتکل های بهداشتی**

روز دوشنبه 3 آذر، جمعی از کارگران یک شرکت پیمانکاری تخلیه و بارگیری بندر امام برای اعتراض نسبت به سطح نازل حقوق از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت نشدن کامل مطالبات و شرایط سخت کاری و رعایت نشدن پروتکل های بهداشتی دست به تجمع زدند.

یکی از کارگران یک شرکت پیمانکاری، گفت: ماهیت شرکتی که در آن کار می کنم، تخلیه و بارگیری کالا است. ماهیت کاری شرکت عملیاتی است، پس در این شرایط بیشتر کارگران شرکت، نیروی کار عملیاتی هستند.

او در ادامه درباره مطالبات کارگران گفت: تمام پرسنل شرکت خواهان حقوق و مزایایی مثل حق بدی آب و هوا و شرایط خاص اقلیمی هستند. دمای هوا در تابستان 60 درجه و میزان رطوبت حدود 90 درصد است ولی کارگران مجبور هستند به فعالیت کاری خود ادامه دهند. اگرچه ما کارگران بخش خصوصی یا پیمانکاری از مزایایی مثل حق بدی آب و هوا محروم هستیم، ولی کارمندان کارفرمای مادر یعنی سازمان بنادر، از این حقوق و مزایا برخوردار هستند.

این کارگر توضیح داد: ما در محیط کار با خطراتی مواجه هستیم که سلامتی و جان ما را تهدید می کند. یکی از خطرات کار در بندر، سطح لغزنده و ناامن کشتی ها است. یکی دیگر از مطالبات ما، دریافت حق ارتفاع است. محیط کار ما، تجهیزات استراتژیک و غول پیکر دارد و ما کارگران روی این تجهیزات کار می کنیم. ارتفاع جثه های چندین تنی مجموعه زیاد است و اپراتورها برای کنترل دستگاه، باید به ارتفاع 130 تا 140 متری بروند. ما در ارتفاع کار می کنیم و مطالبه حق ارتفاع قانونی است. نه تنها ارتفاع جثه ها زیاد است، بلکه کارگران باید مسیری مارپیچ و لغزنده را پشت سر بگذارند.

او از مشکلات کارگران گفت: بسیاری از صنوف و کارگاه های کشور، با نیمی از نیروی انسانی خود کار می کنند؛ یعنی نیمی از کارگران در محل کار حضور دارند و نیمی دیگر دورکار هستند. ماهیت

کاری کارگران بندر دورکار نیست و باید در بطن کار حضور داشته باشند. همچنین بندر گلوگاه اقتصادی کشور است و نمی‌توان بندر را تعطیل کرد.

وی ادامه داد: ما کارگران طرحی را به کارفرمای مادر و پیمانکار پیشنهاد دادیم، که این طرح پیشنهادی از سوی کارفرمای مادر و شرکت مورد تایید قرار گرفت. شیفت‌های کاری ما دوازده ساعته است، یعنی 12 ساعت در روز و 12 ساعت در طول شب کار می‌کنیم. پیشنهاد دادیم برای رعایت فاصله اجتماعی، به جای حضور دو اپراتور برای هر دستگاه، یک اپراتور در محل کار و اپراتور دیگر در خانه باشد. این توافق انجام شد و کار نیز بی‌وقفه پیش می‌رفت.

این کارگر درباره طرح پیشنهادی کارگران توضیح داد: کاتالوگ تجهیزات بندر می‌گوید، هر اپراتور باید 4 ساعت کار کند، 4 ساعت آمادباش (استندبای) باشد و 4 ساعت استراحت کند. ما طرح پیشنهادی خود را با توجه به دستورالعمل‌های دستگاه پیشنهاد دادیم.

یک کارگر دیگر این شرکت پیمانکاری با تایید مشکلات موجود تشریح کرد: اگرچه ماهیت کاری کارگران فنی روزکار است ولی شرکت بنا به دلایل نامعلوم، آنها را شبکار کرد. کارگران بخش فنی در تمام دنیا روزکار هستند و کسی در شب جوشکاری نمی‌کند. کارگران بخش فنی نیز به رعایت نشدن پروتکل‌های بهداشتی معترض بودند و معتقدند که فاصله‌گذاری برای کرونا رعایت نمی‌شود. کارگران فنی شرکت می‌خواهند که 6 ساعت در محل کار حضور داشته باشند، یعنی اینکه گروهی در 6 ساعت اول و گروهی در 6 ساعت دوم به محل کار بیایند اما پس از مدتی، شیفت‌های کاری 6 ساعته، حذف شد.

این کارگر پیمانکاری ادامه داد: شنیده‌ام شرکت وضعیت کاری تعدادی از کارگران با سابقه کاری یک ساله را تغییر داده و آنها را به کارگر روزمزد تبدیل کرده است.

وی با تاکید بر اجرایی نشدن وعده‌های کارفرما گفت: اگرچه چند سال از وعده‌ی کارفرما به ما در خصوص اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل گذشته است، ولی تا امروز این طرح اجرا نشده است. شرکت می‌خواهد طرح طبقه‌بندی مشاغل را بدون توجه به مطالبات ما اجرا کند؛ اجرای این طرح بدون در نظر گرفتن مطالبات ما هیچ تاثیری ندارد و خالص دریافتی ما تغییر نخواهد کرد.

او از پیگیرهای کارگران برای احقاق حقوق خود گفت: برخی از کارگران با کارفرمای مادر یعنی سازمان بنادر صحبت کردند و سازمان را متقاعد کردند که تمامی مطالبات ما برحق است. اگرچه شرکت به ما وعده داد، پس از اجماع به درخواست ما رسیدگی کند ولی حرف‌های شرکت وعده‌ای بیش نبوده است.

این کارگر در خصوص خلف وعده کارفرما توضیح داد: شرکت نامه‌ای در تابلو اعلانات نصب کرده و نسخه‌ای از همین نامه را برای سازمان بنادر ارسال کرده است. شرکت در این نامه نوشته است، خدمات بندری شامل رعایت پروتکل بهداشتی کرونا نیستند. همه می‌دانند استان خوزستان، صنعتی و مهاجرپذیر است. تردد شبانه‌روزی در این استان وجود دارد و روزانه تعداد زیادی در استان خوزستان رفت و آمد می‌کنند؛ چگونه است که ما مشمول رعایت پروتکل‌های بهداشتی نمی‌شویم؟!

او از دیگر مشکلات کار در بندر گفت: مجتمع‌های پتروشیمی در بندر هستند و در نزدیکی ما فعالیت می‌کنند. فعالیت پتروشیمی‌ها نیز بر کیفیت هوای منطقه تاثیرگذار است. خطر ابتلای ما به سرطان نیز

زیاد است. سوال ما کارگران این است، وقتی 24 ساعته در محل کار حضور داریم، نباید با کارمندانی که 10 روز به 10 روز در محل کار حاضر می‌شوند، تفاوت داشته باشیم؟

شرکت وقتی خواهان کار مداوم از سوی کارگران است، نباید بین ما و کارمندان رسمی بندر تمایز قائل شود؟

متأسفانه ما جزو مناطق ویژه اقتصادی هستیم، قوانین منطقه همه به نفع سرمایه‌گذار است و سودی برای کارگر ندارد!

این کارگر با انتقاد از وضعیت کارگران شاغل در بندر گفت: رسانه‌ها می‌گویند، ظرفیت تخلیه بندر به 100 هزار تن در روز رسیده است، مگر کارمندان دولت تخلیه بار را انجام می‌دهند؟ چه کسی به جز کارگران تخلیه بار انجام می‌دهد؟ آیا ما حق نداریم حقوق و مزایای خود را مطالبه کنیم؟ هنگامی که حقوق و دستمزد خودمان را مطالبه می‌کنیم، معترض و اغتشاشگر می‌شویم. آیا ما حق نداریم مطالبه‌گر حق ایمنی و حق آب و هوا باشیم؟

او در پایان گفت: اگرچه فشارهایی از سوی کارفرما به ما وارد می‌شود تا ما عصبی شویم. ما حقوق خودمان را مطالبه می‌کنیم به همین دلیل، گروهی از کارگران که خارج از شیفت کاری هستند اعتراض می‌کنند و کارگران دیگر به کار خودشان ادامه می‌دهند.

از قرار، روز دوشنبه سوم آذرماه، بخشی از کارگران این شرکت که خارج از شیفت کاری خود بودند، نسبت به عدم اجرای تعهدات از سوی کارفرما و شرایط کاری اعتراض کردند و کارگرانی که در شیفت بودند به کار خود ادامه دادند.

***تجمعات اعتراضی کارگران سد معبر شهرداری فردیس نسبت به تبدیل وضعیت به پیمانی و برای حذف شرکت پیمانکاری مقابل ساختمان شهرداری و دفتر پیمانکار**

کارگران سد معبر شهرداری فردیس برای چندمین بار طی دوماه گذشته برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به تبدیل وضعیت به پیمانی و برای حذف شرکت پیمانکاری مقابل ساختمان شهرداری و دفتر پیمانکار این شهر در استان البرز زدند.

روز چهارشنبه 5 آذر، تعدادی از کارگران معترض سد معبر شهرداری فردیس به خبرنگار رسانه ای گفتند: چندمین بار در یک الی دو ماه گذشته در انتقاد به تبدیل وضعیت قراردادهای کاری خود به پیمانی و برای حذف شرکت پیمانکاری مقابل ساختمان شهرداری و دفتر پیمانکار تجمع کردیم که نتیجه‌ای نصیبمان نشد.

آنها افزودند: علارغم پافشاری مدیران شهری فردیس برای تبدیل وضعیت استخدامی ما، هنوز تعدادی از کارگران با پیمانکار قرارداد امضا نکرده‌اند.

کارگران سد معبر شهرداری فردیس در استان البرز در ادامه درباره مطالبات خود از شهرداری گفتند: جدا از مشکلاتی که در نتیجه ورود پیمانکار برای ما کارگران ایجاد شده، هر یک از کارگران بابت دو تا سه ماه حقوق معوقه از شهرداری طلبکاریم.

آنها افزودند: مسئولان باید تصمیم جدی برای حذف پیمانکاران و نوع قرارداد کارگران بگیرند چراکه این موضوع هر روز نگرانی ما را بیشتر می‌کند.

به گفته کارگران قرارداد مستقیم شهرداری فردیس؛ وقتی شهرداری فردیس در مقام کارفرمای اصلی می‌تواند به صورت مستقیم با همه کارگران سد معبر قرارداد منعقد و مطالبات آن‌ها را به صورت کامل پرداخت کند، دیگر چه نیازی است تا با واسطه قرار دادن پیمانکار، امکان نادیده گرفته شدن بخشی از مطالبات مزدی آن‌ها را رقم بزند.

***ادامه بلاتکلیفی معیشتی مهمانداران اخراجی شرکت فنی بینا صنعت زیر سایه سکوت مسئولان راه آهن**

مهمانداران شرکت فنی بینا صنعت با گذشت 9 ماه از اخراج از کار هنوز مشمول بیمه بیکاری نشده اند. بنابه گزارش منتشره بتاريخ 5 آذر، شرکت های مهتاب و ماربین و ریل سبا و رهنورد هم مشابه همین شرکت است. و هیچ مسئولی هم در این رابطه پاسخگو نیست.

***روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران در برابر اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری نسبت به تملک مراتعشان فرار رابرقرار ترجیح داد**

روز چهارشنبه 5 آذر، روحانی مدیر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران هنگام بازدید از روستای آق مشهد ساری هنگامی که با اعتراض اهالی خشمگین روستای آق مشهد ساری نسبت به تملک مراتعشان روبرو شد فرار رابرقرار ترجیح داد.

***تجمع اعتراضی جمعی از وکلای دادگستری خوزستان نسبت به کسب وکار تلقی شدن وکالت مقابل ساختمان کانون وکلا**

روز سه شنبه 4 آذر، جمعی از وکلای دادگستری استان خوزستان برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به کسب وکار تلقی شدن وکالت دست به تجمع مقابل ساختمان کانون وکلا این استان در کلانشهر اهواز واقع در محله امانیه زدند.

نماینده وکلای معترض در این تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت: این تجمع در اعتراض به تصمیم مجلس شورای اسلامی در خصوص طرح اصلاح قانون اجرایی سیاست‌های اصل کلی 44 صورت گرفته که طبق آن کانون وکلای دادگستری را جزو کسب و کارها و به نوعی کاسبی تلقی کرده‌اند.

وی افزود: اعتراض ما به این دلیل است که وکالت دادگستری طبق اسناد بالادستی در زمره خدمات قضایی محسوب می‌شود و در قانون اساسی در فصل سوم جزو حقوق ملت، و نه در فصول مربوط به حرفه‌های اقتصادی آمده است؛ از طرفی کسب و کار تلقی کردن کانون وکلای دادگستری باعث می‌شود که نگاه بازاری به قوه قضاییه و به دادگستری شیوع پیدا کند.

***تجمع اعتراضی دانشجویان علوم پزشکی همدان نسبت به اختصاص زمان محدود در امتحانات**

روز چهارشنبه 5 آذر، دانشجویان علوم پزشکی همدان برای اعتراض نسبت به اختصاص زمان محدود برای هر سوال در امتحانات دست به تجمع زدند.



بنابه گزارش رسانه ای شده، روز سه شنبه 4 آذر دانشگاه علوم پزشکی همدان با صدور اطلاعیه ای از اختصاص دادن زمان محدود برای هر سوال در امتحانات خبر داد. در این اطلاعیه گفته شده به دلیل افزایش ضریب امنیت آزمون های الکترونیک از تاریخ 4 آذر سال جاری به بعد زمان اختصاص داده شده به آزمون به جای کل سوالات به هر سوال می باشد.

***گزارشی دردناک درباره وضعیت زعفران کاران خراسان شمالی**

گزارش دریافتی:نبود مدیریت و سرمایه های تلف شده

در سال های اخیر که مباحث مربوط به کمبود آب بسیار مطرح بود. اداره کل جهاد کشاورزی خراسان شمالی تصمیم به تشویق کشاورزان به کاشت محصولات کم آب گرفت. از جمله این محصولات میتوان به کاشت درختان پسته و گل محمدی و... اشاره کرد. در این راستا در سالهای 1394-95 با پرداخت وام های وسیع دست به گسترش کشت زعفران در مابین کشاورزان استان نمود.

بنا به اعلام رییس جهاد کشاورزی استان چهار هزار دویست هکتار زمین را که بسیاری از آن در محدوده جغرافیایی شهرستان فاروج میباشد زیر کشت پیاز زعفران قرار گرفت. گسترش ناگهانی زمین های تحت کشت زعفران استان امروزه به یک بحران مدیریتی در حیطه کشاورزی تبدیل شده است.

کشت زعفران به این گونه است که با کاشت یک مرتبه پیاز زعفران تا هفت سال گلهای زعفران همان زمین قابل برداشت است. اوج شکوفایی و برداشت گل از سال سوم تا سال ششم میباشد. از اینرو عقل سلیم حکم میکنند با کاشت در سال های اول و دوم که محصول کمتر است باید زیر ساخت های جمع

آوری گل ها از روی زمین و پاک کردن گل زعفران ها و همچنین خشک کردن زعفران های چیده شده بصورت اصولی و استاندارد تهیه شود.

علاوه بر نکات ذکر شده که به برداشت زعفران مربوط است امکان بسته بندی و صادرات هم باید مد نظر قرار بگیرد که از حوصله این یادداشت به دور است. اما هرآنکس که اندک اطلاعی از کاشت و داشت و برداشت زعفران داشته باشد میداند که گل زعفران را باید پیش از طلوع آفتاب برداشت نمود تا کیفیت آن حفظ شود. خشک کردن زعفران استخراج شده از گل نیز خود باید دارای شرایط مناسب و استاندادی باشد.

اما متأسفانه در ادارات این کشور به جای کارشناس دارای صلاحیت کارشناسان شانس و قضا قدر نشسته اند. در سالهای 95-94 بخش وسیعی از این چهار هزار هکتار زمین/ تحت کشت زعفران قرار گرفت. طبیعتاً در سال 98 اکثریت زمین ها در سال سوم و یا چهارم محصول دادند و اداره جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی که خود با پرداخت وام و طرح های انگیزشی کشاورزان را تشویق به کاشت این محصول نموده بود باید وارد عرصه ایجاد زیر ساخت های لازم میشد. اما نشد و آنقدر دست بر روی دست گذاشت تا فرصت سه سال ما بین سال های 94 الی 97 سوخت تا در پاییز پرباران و پر بار سال 98 بسیاری از گلهای زعفران - نه پیش از طلوع آفتاب و نه پس از غروب آن بلکه بلکه روی زمین ماند آنها به دلیل نبود کارگر گل چین.

در کشوری که با لشکر بی پایان بیکاران مواجه هستیم کارگر برای چیدن گل هم نبود. زمین داران کارگران گلپاک کن را بر روی زمین ها آوردن تا محصول را برداشت کنند و اینگونه دیگر کارگری برای پاک کردن گل در منطقه باقی نمانده بود. یعنی کشاورزان مواجه شدند با کوهی از گل زعفران که شرایط پاک کردن (منظور از پاک کردن گل زعفران جدا کردن خود زعفران از گل زعفران است) را نداشتند. برآورد وزنی زعفران استان در این سال 20 تن میباشد.

در این زمان سر و کله دلالان زعفران پیدا میشود و گل زعفران را به قیمتی زیر بیست هزار تومان برای بهترین زعفران کشت شده و زعفران های ضعیف تر تا ده هزار تومان میخرند و گل زعفران را در مناطق پایین شهر شیروان و بجنورد بین خانواده های برای تمیز کاری تقسیم میکنند به ازای هر کیلو پانزده هزار تومان. در مجموع هر خریدن و پاک کردن گل زعفران برای دلال سی و پنج هزار تومان هزینه برداشت که از یک کیلو گل زعفران تازه ده گرم زعفران خشک شده تولید میشود که در سال گذشته به قیمت 15-25 هزار تومان به فروش رسید. یعنی هر ده گرم زعفران خشک شده برای دلال 35 هزار تومان (این عدد منهای هزینه حمل و نقل است) خرج برداشته است اما 200 هزار تومان به بفروش رسانده است.

اما با تجربه سال 98 مجموعه حکومتمیان از استانداری تا مدیر کل جهاد کشاورزی تا نمایندگان غیر مردمی مجلس فرمایشی به میدان آمدند تا این مشکل را به ظن خود حل کنند. نمایندگان خراسان شمالی در مجلس گرد هم آمدند و مصوب کردند که هر کیلو گل زعفران تازه نباید کمتر از 150 هزار تومان از کشاورز خریداری شود. (این دستور را با چه پشتیبانی صادر کردند هنوز کسی نمیداند) استانداری دستور میدهد که جهاد کشاورزی استان از طریق تعاونی زعفران کاران استان بازارچه معاملات روز در شهرستان فاروج ساخته شود تا معاملات در یک محل و قیمت بصورت شناور با چانه زنی هماهنگ کشاورزان انجام شود.

وقتی کارشناسان کارنابلد و مصوبات غیر تخصصی را یک فرد میبیند چیزی جز لبخند تلخ نمیتواند بزند. آخر کدام آدم عاقلی میگوید وقتی محصول روی زمین را کشاورز نمیتواند برداشت کند وقتی گل زعفران را باید پیش از پژمرده شدن پاک کرد تا خشک شود و امکان نگهداری داشته باشد- میایید و میگویید که گل زعفران به فلان طور باید معامله شود؟ خوب میگوییم مدیران نادانند مگر میشود کارشناس کشاورزی هم این را نداند که اگر زعفران حداکثر ظرف مدت 24 ساعت پاک نشود کیفیت اش را از دست میدهد و بسیار کم قیمت میشود.

خوب با روش پیشنهادی استانداری زعفران کاران گلهای زعفران را همه روزه در بازار به فروش میگذارند و دلالتان اصلی که بزرگترین خریداران این محصول در استان هستند که تعدادشان به انگشتان یک دست هم نمیرسد در پایان وقت و پیش از غروب خریداری میکنند تا قیمت به کف برسد و کشاورز هم که میداند اگر امروز نفروشد متضرر خواهد شد، به قیمت ارزان میفروشد.

اما اگر گلهای زعفران را خود کشاورز پاک کند میتواند تا سال بعد با چانه زنی مناسب محصول را به قیمت واقعی به فروش برساند.

اما همین راه حل پر ایراد استاندار هم برای سال جاری به نتیجه نرسید. یک اینکه زمین مورد تایید تعاونی در اختیار آنان قرارداده نشد دوم آنکه اصلاً وامی هم برای ساخت بازارچه در اختیار تعاونی قرار نگرفت. پس بصورت کامل پروژه ساخت بازارچه منتفی شد و در مرحله بعد اعلام کردند که پنج مغازه در سطح شهر فاروج مشخص شد و دستور دادند که باید کلیه معاملات زعفران در این پنج محل صورت پذیرد و کشاورزان محصول را باید تا این 5 نقطه حمل نمایند.

با این مصوبه خریداران اصلی که همان دلالتان هستند هیچ یک حاضر به معامله و حتی رفتن به این 5 محل نشدند. و بصورت غیر رسمی اعلام کردند که «ما خرید های مان را در محل انبار های خودمان انجام میدهیم و هرکس خواست محصول را آنجا بیاورد». با این اعلام- شکست پذیر بودن طرح به صاحبان آن بیش از پیش ثابت شد و کشاورزان بهترین محصول خود را حداکثر به یک سوم قیمت مصوب به زیر 50 هزار تومان به دلالتان فروختند.

اما این شکست هم درس عبرتی برای مدیران رانتهی نشد و استانداری در این چند روز اعلام کرده است که «کارخانه گل پاک کنی و بسته بندی با کمک بخش خصوصی در منطقه ویژه اقتصادی کلنگ خواهد خورد». این سخنان نشان دهنده این است که اصرار به زدن سورنا از دهانه گشاد آن هنوز ادامه دارد و تنها چیزی که برای طبقه حاکم اهمیتی ندارد وضعیت معیشتی فرودستان است. کشاورزانی که امکان کاشت دو محصول را در سال بر روی زمین های خود داشتند باید سالی یک بار زعفرانی را برداشت کنند که سود آن به جیب دلالتان و صادرکنندگان است.

akhbarkargari2468@gmail.com

- در آستانه پنجمین سالگرد جان باختن مرتضی فرج نیا جوان جویای کارروستای شهرویی بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی دولت یازدهم، جوانان متقاضی کار هم محلش با تجمع مقابل پالایشگاه گاز بیدبلند 2 بهبهان خواهان اشتغال شدند

- اعتصاب رانندگان توزیع کننده روزنامه دنیای اقتصاد برای اعتراض به جریمه محدودیت تردد کرونایی

- تجمع اعتراضی مشاوران املاک جزیره کیش نسبت به کاهش نرخ کمیسیون مقابل سازمان منطقه آزاد

- الهام صمیمی، دانشجوی انسان شناسی دانشگاه تهران بازداشت شد

- آزادی موقت حنیف شادلو با قید ضمانت 100 میلیون تومانی

- جان باختن کارگر جوان کارخانه روغن کشی زیتون گلچین منجیل بر اثر گیرکردن لای دستگاه پرس

- جان باختن یک کارگر در خمینی شهر بر اثر سقوط بالابر روی سرش

***در آستانه پنجمین سالگرد جان باختن مرتضی فرج نیا جوان جویای کارروستای شهرویی بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی دولت یازدهم، جوانان متقاضی کار هم محلش با تجمع مقابل پالایشگاه گاز بیدبلند 2 بهبهان خواهان اشتغال شدند**

روز دوشنبه 3 آذر در آستانه پنجمین سالگرد جان باختن مرتضی فرج نیا جوان جویای کارروستای شهرویی بر اثر تیراندازی نیروی انتظامی دولت یازدهم، جمعی از جوانان متقاضی کار هم محلش با تجمع مقابل ورودی پالایشگاه بیدبلند 2 بهبهان، واقع در کیلومتر 17 بزرگراه بهبهان - رامهرمز با بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به بیکاری و روند استخدام در این پالایشگاه، خواهان بکارگیری و جذب شدند.



جوانان بیکار حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفتند: علیرغم وجود پالایشگاه بیدبلند در نزدیکی ما، اکثراً بیکار هستیم.

آنها افزودند: باید جوانان بومی در اولویت جذب و استخدام در صنایع پالایشگاهی و نفت و گاز باشند؛ وقتی بومی‌ها بیکارند، چرا از غیربومی‌ها جذب می‌شوند؟!

یکی از جوانان شهرویی با تاکید بر اینکه اشتغال در صنایع محلی، حق مردم بومی است، اضافه کرد: ما جوانان شهرویی نباید برای کار آواره شهرها و استان‌های دیگر باشیم؛ وقتی پالایشگاه در منطقه خودمان است!

قابل یاد آوری است که روز 24 آذرماه 1394، ساکنان روستای شهرویی بهبهان با تجمع مقابل پالایشگاه گاز بیدبلند 2 خواهان کار شدند. این متقاضیان کار برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به بیکاری اجتماعشان را به مسیر بهبهان به رامهرمز کشاندند.

نیروهای انتظامی دولت یازدهم بسوی تجمع کنندگان آتش گشودند و موجب مرگ مرتضی فرج نیا و زخمی شدن 2 نفر دیگر شدند.

روستای شهرویی در شهرستان بهبهان دو هزار و 800 نفر جمعیت دارد و در کنار پالایشگاه گاز بید بلند 2 قرار گرفته است.



***اعتصاب رانندگان توزیع کننده روزنامه دنیای اقتصاد برای اعتراض به جریمه محدودیت تردد کرونایی**

دوشنبه شب (3 آذر)، رانندگان توزیع کننده روزنامه دنیای اقتصاد در شهرستان‌ها برای اعتراض به جریمه محدودیت تردد کرونایی دست به اعتصاب زدند و این اعتراض موجب اختلال در توزیع و ارسال روزنامه به شهرستان‌ها شد.

در همین رابطه، مسئول توزیع این روزنامه گفت: لیست ماشین های توزیع کننده روزنامه را به وزارت ارشاد فرستادیم ولی جریمه شدند.

وی افزود: وقتی اعلام شد که روزنامه ها جزو مشاغل اول هستند و می توانند در ایام محدودیت های کرونایی به فعالیت خود ادامه دهند، ما لیست رانندگان توزیع کننده روزنامه را به اداره ارشاد اسلامی فرستادیم و آن ها هم به صورت شفاهی به ما گفتند که مشکلی نیست و می توانند، روزنامه ها را در شهرستان ها توزیع کنند.

او ادامه داد: متأسفانه در چند روز اول ماشین های توزیع کننده روزنامه با وجود هماهنگی با وزارت ارشاد، جریمه شده بودند و همین مسئله سبب اعتصاب آن ها در شب گذشته و اختلال در توزیع و ارسال روزنامه به شهرستان ها شد.

او در خاتمه گفت: طی مذاکرات مجدد پیمانکار مربوطه با وزارت ارشاد اسلامی قرار شد از امشب، مشکل حل شود و رانندگان توزیع کننده روزنامه، بتوانند بدون نگرانی به فعالیت خود ادامه دهند.

***تجمع اعتراضی مشاوران املاک جزیره کیش نسبت به کاهش نرخ کمیسیون مقابل سازمان منطقه آزاد**

روز دوشنبه 3 آذر، مشاوران املاک جزیره کیش برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به کاهش نرخ کمیسیون دفاتر املاک دست به تجمع مقابل ساختمان سازمان منطقه آزاد کیش زدند.



***الهام صمیمی، دانشجوی انسان شناسی دانشگاه تهران بازداشت شد**

روز دوشنبه 3 آذر، الهام صمیمی، دانشجوی انسان شناسی دانشگاه تهران، که پیش از این منزلش توسط نیروهای امنیتی مورد تفتیش قرار گرفته بود، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

به گزارش کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور، الهام صمیمی که از زمان یورش نیروهای امنیتی، با تهدید خود و خانواده اش، چندین بار احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفته بود، روز دوشنبه

بازداشت شد. علاوه بر بازجویی این فعال دانشجویی در اوین، چندین جلسه بازجویی وی در مکانی غیررسمی و غیر قانونی (خانه امن ضابطین) در خیابان لبافی نژاد تهران صورت گرفته است.

در پی مقاومت او برای مراجعه به مکان مورد نظر و ادامه ی بازجویی، مامورین امنیتی اقدام به تهدید مکرر او و خانواده اش می کنند. پس از آخرین تماس نیروهای امنیتی و آزار و اذیت خانواده وی، این فعال دانشجویی تحت فشار قرار می گیرد که به زندان اوین مراجعه کند و با مراجعه به زندان اوین، نیروهای امنیتی این فعال دانشجویی را بازداشت می کنند.

لازم به ذکر است نیمه شب 25 مهر ماه ماموران امنیتی به خانه الهام صمیمی، یورش بردند و کتابها، لوازم شخصی و وسایل الکترونیکی از جمله موبایل و لپتاپ وی و دیگر افراد ساکن در منزل از جمله وسایل بستگان و مهمان های او را ربودند. این فعال دانشجویی همچنین طی این یورش به احضار و برخورد امنیتی و قضایی تهدید شده بود.

***آزادی موقت حنیف شاد لو با قید ضمانت 100 میلیون تومانی**

روز دوشنبه 3 آذر، حنیف شاد لو با قید ضمانت 100 میلیون تومانی بطور موقت از زندان شد.

قابل یاد آوری است که حنیف شاد لوروز جمعه 25 مهر ماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی در منزل پدری خود در ورامین بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بود.

ماموران امنیتی در حین بازداشت وی، منزلش را هم تفتیش کردند و برخی از وسایل شخصی او و خانواده اش از جمله تلفن های همراه و مدارک شناسی او را ضبط و با خود بردند.

ماموران اطلاعاتی همچنین پیروی، کامبیز شادلورا مورد ضرب و شتم قرار دادند.

***جان باختن کارگر جوان کارخانه روغن کشی زیتون گلچین منجیل بر اثر گیرکردن لای دستگاه پرس**

عصر روز دوشنبه 3 آذر، یک کارگر 22 ساله حین کار نظافت دستگاه پرس در کارخانه روغن کشی زیتون گلچین منجیل، استان گیلان بر اثر کشیده شدن بداخلش و شکستگی جمجمه و سر و گردن جانش را در دم از دست داد.

***جان باختن یک کارگر در خمینی شهر بر اثر سقوط بالابر روی سرش**

یک کارگر 40 ساله حین کار در ساختمانی در دست احداث در خمینی شهر استان اصفهان بر اثر سقوط بالابر روی سرش در دم جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com